

چگونگی داوری سرمایه‌گذاران در مورد میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت

Molly Mercer

ترجمه: دکتر کامبیز فرقاندوست حقیقی
مینو منصور زارع

صالح و قابل اعتماد به نظر می‌رسد میزان اعتبار مطالب افشاء شده بیش‌تر است. رسیدگی به وسیله مراجع خارجی و داخلی نیز می‌تواند میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش دهد. همچنین میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء اطلاعات نیز ارتباط

دارد. ویژگی‌هایی مانند دقت، محمل افشاء، افق زمانی، منطقی بودن ذاتی آن و سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد.

مقدمه

افشاء اطلاعات توسط مدیریت یک منبع اطلاعات بالقوه ارزشمند برای سرمایه‌گذاران است، اما برای آن که مورد استفاده قرار گیرد باید معتبر تلقی شود. جنینگز (۱۹۸۷)



افشاء اطلاعات توسط مدیریت یک منبع اطلاعات بالقوه ارزشمند برای سرمایه‌گذاران است، اما برای آن که مورد استفاده قرار گیرد باید معتبر تلقی شود

چکیده

در این مقاله مطالب موجود در مورد میزان اعتبار افشاء مورد بررسی قرار گرفته و طی آن چهار عامل که سرمایه‌گذاران در زمان ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت در نظر می‌گیرند مورد لحاظ قرار می‌گیرد. این عوامل عبارتند از:

- ۱- انگیزه‌های ناشی از موقعیت در تاریخ افشاء
 - ۲- میزان اعتبار خود مدیریت (به عبارت دیگر صلاحیت و قابل اعتماد بودن آن‌ها)
 - ۳- عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از عوامل بیرونی و یا عوامل درونی شرکت (محیط کنترلی)
 - ۴- ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء.
- در صورتی که مدیریت انگیزه‌ای برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده به سرمایه‌گذاران نداشته باشد یا وقتی مدیریت

افشاء شده مؤثر است.

مطالعات قبلی در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده متنوع و گسترده هستند؛ اگرچه در ظاهر امر به نظر می‌رسد برخی از تحقیقات با موضوع مرتبط نیستند، اما در همین تحقیقات مسائل مشابه تئوریک مورد لحاظ قرار گرفته است. برای مثال یافته‌های بسیاری از تحقیقات دانشگاهی حاکی از آن است که افشاء اخبار منفی از اعتبار بیش‌تری نسبت به اخبار مثبت برخوردار است (ویلیامز - ۱۹۹۶، هیوتن و همکاران - ۲۰۰۳). برخی از تحقیقات نیز حاکی از آن است که هرگاه افشاء‌کننده از نظر مالی وضعیت خوبی داشته باشد، افشاهای به عمل آمده توسط او از افشاء به عمل آمده توسط شرکت‌هایی که وضعیت مالی مطلوبی ندارند، معتبرتر به نظر می‌رسد (فراست - ۱۹۹۷ و کچ - ۱۹۹۹).

این یافته‌های به ظاهر پراکنده در واقع دارای موضوع مشترکی می‌باشند و آن این‌که چطور انگیزه‌های مدیریت برای افشاء اطلاعات گمراه‌کننده بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات شرکت در آن موقعیت‌ها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، در این مقاله با جایگزینی دیدگاه تئوریک اصلی تحقیقات قبلی به جای سطح عملیاتی آن‌ها، تحقیقاتی که به ظاهر غیرمرتبط به نظر می‌رسند با یکدیگر مربوط می‌گردند. این رویکرد همچنین با طبقه‌بندی دانش‌هایی که در یک گروه قرار می‌گیرند و تفاوت‌های آن‌ها، در شناسایی حوزه‌های بالقوه مفید برای تحقیقات آتی کمک می‌نماید. در نهایت این که این چارچوب باید برای مدیران شرکت‌ها مفید باشد، زیرا عواملی را که بر میزان اتکاء اطلاعات افشاء شده مؤثر است ارائه می‌نماید و سازوکارهایی را که مدیران می‌توانند جهت افزایش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به کار گیرند پیشنهاد می‌نماید.

مفهوم قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده چیست؟

قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده به عنوان استنباط

معتقد است که واکنش سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تابعی است از اطلاعات جدید (اطلاعات فاقد سابقه) موجود در اطلاعات افشاء شده و میزان اعتبار آن (قابلیت توجیه و منطقی بودن آن اطلاعات). او نتیجه می‌گیرد که برای توجیه واکنش سرمایه‌گذاران، میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده می‌تواند به اندازه مقدار اطلاعات جدید و فاقد سابقه بااهمیت باشد. مقاله‌های مندرج در رسانه‌های ارتباط جمعی، می‌تواند تأییدی بر میزان تأثیر اطلاعات تلقی گردد. موضوع بسیاری از مقالات مندرج در **وال استریت ژورنال** را بحث‌های مرتبط با مشکلات پذیرش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط برخی از شرکت‌ها و یا تلاش در راستای افزایش میزان اعتبار اطلاعات توسط برخی دیگر تشکیل می‌دهد (**کارنز و پرس** - ۲۰۰۲). درحقیقت به نظر می‌رسد نگرانی سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده در حال افزایش است، زیرا که رسوایی‌های

بزرگ مالی انرون و ورلدکام

موجب شده تا میزان اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران در مورد اعتبار اطلاعات افشاء شده دستخوش تزلزل‌های شدید گردد (بارت - ۲۰۰۲).

باتوجه به اهمیت میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده، برخی از

عواملی که بر قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از دیدگاه استفاده‌کنندگان مؤثر می‌باشد، در تحقیقات دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله تلفیقی است از بررسی‌های مرتبط با قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده، با توجه به مطالعات قبلی در رشته حسابداری و مدارک مربوط در سایر رشته‌ها نظیر مدیریت استراتژی، علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی.

حاصل این تلفیق حاکی از آن است که چهار عامل انگیزه‌های ناشی از موقعیت، میزان اعتبار خود مدیریت، عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از بیرونی و درونی و ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشاء بر میزان اعتبار اطلاعات

چهار عامل انگیزه‌های ناشی از موقعیت، میزان اعتبار خود مدیریت، عوامل مؤثر بر محیط گزارش‌گری اعم از بیرونی و درونی و ویژگی‌های ذاتی موضوع مورد افشاء بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده مؤثر است.

اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارد ولیکن تنها عامل نیست. در تحقیقات مشاهده‌ای که در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده صورت می‌گیرد تمایل بیشتر بر این است که از اطلاعات موجود در سوابق بایگانی‌ها و یا اطلاعات تجربی استفاده شود.^۱ در بسیاری از تحقیقات از اطلاعات مرتبط با واکنش‌های بازار که مبتنی بر واکنش‌های بازار سهام می‌باشد و یا پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران در ارتباط با ارزیابی‌های آن‌ها از میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده استفاده می‌شود. در تحقیقات تجربی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به دو طریق آزمون می‌گردد. یا به‌طور مستقیم از شرکت‌کنندگان در تحقیق درخواست می‌شود میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را با یک مقیاس عددی طبقه‌بندی کنند و یا آن‌که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به‌طور غیرمستقیم با توجه به میزان استفاده‌ای که از آن‌ها توسط شرکت‌کنندگان در تحقیق برای مواردی مانند پیش‌بینی سود یا ارزیابی سهام به عمل می‌آید به نحو استنباطی نتیجه‌گیری می‌شود.

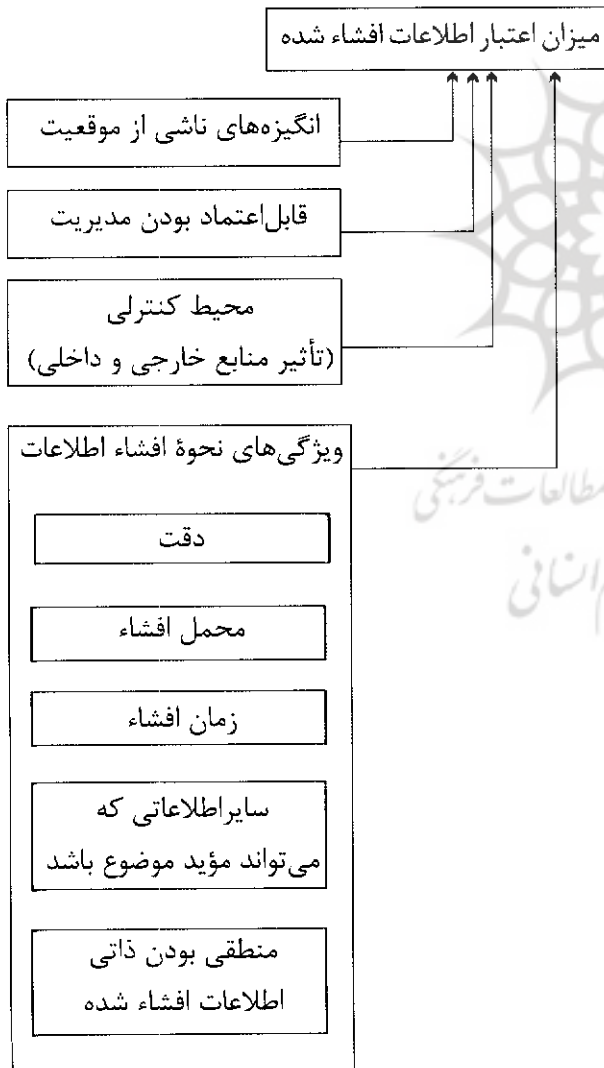
استفاده از هر یک از این دو روش تحقیق معایب و مزایایی دارد. در صورتی که در تحقیق از اطلاعات بازار واقعی استفاده شود و یا واکنش‌های تحلیل‌گران به یک افشاء مورد استفاده قرار گیرد، تحقیقات مبتنی بر اطلاعات تاریخی در ارزیابی اهمیت اقتصادی عوامل مختلف که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد نتایج بهتری به دست می‌دهد. اما به دلیل آن‌که واکنش تحلیل‌گران بازار به اطلاعات افشاء شده به دو عامل (۱) اطلاعات جدیدی که در افشاء است و (۲) میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده بستگی دارد، بنابراین تحقیقاتی که با توجه به اطلاعات تاریخی انجام می‌شود، اغلب نمی‌تواند تأثیر آن بخش از واکنش تحلیل‌گر را که مربوط به میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده است از عامل دیگر جدا کند. روش‌های تجربی این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد که اطلاعات یکسانی را که فقط از نظر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده متفاوت هستند در اختیار همه شرکت‌کنندگان در آزمایش قرار دهند. این روش‌ها در جدا کردن تأثیرات عوامل اتفاقی مطلوب

سرمایه‌گذاران از قابلیت پذیرش یک افشاء خاص تعریف می‌گردد. دو عنصر در این تعریف وجود دارد که باید در مورد آن‌ها توضیح داده شود. اول این که میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده به نحو برداشت و استنباط سرمایه‌گذاران برمی‌گردد و شرایط عینی که در آن افشاء به عمل آمده مدنظر نمی‌باشد. در ابتدا سرمایه‌گذاران افشایی از سوی مدیریت دریافت می‌کنند احتمالاً از میزان قابلیت اتکاء آن اطلاعات و یا کیفیت آن مطلع نیستند و بدین ترتیب واکنش اولیه آن‌ها بر برداشتی که از میزان قابلیت اعتبار آن اطلاعات دارند متکی خواهد بود (جنینگز-۱۹۸۷). موضوع اصلی این مقاله راه‌مین برداشت‌های پیشین سرمایه‌گذاران تشکیل می‌دهد. دوم آن که تعریف بالا متضمن این فرض است که اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت، از طرف سرمایه‌گذاران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگرچه ممکن است در کلیت امر میزان قابلیت اتکاء در مورد هر شرکت با شرکت دیگر متفاوت باشد، اما این تحقیقات حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران نسبت به تغییر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده یک شرکت به‌طور مستقل نیز حساس هستند. (ویلیامز - ۱۹۹۶ و هیوتن و همکاران - ۲۰۰۳)

بیشتر نوشته‌های حسابداری "قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده" را با "قابل اعتماد بودن مدیریت" مترادف در نظر می‌گیرند، اما تفاوت‌های مهمی بین این دو مفهوم وجود دارد. قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده برای هر بار افشاء به‌طور جداگانه ارزیابی می‌شود و ممکن است این ارزیابی در دفعات مختلف برای هر شرکت متفاوت باشد. قابل اعتماد بودن مدیریت یک ویژگی پایدار مرتبط با مدیران شرکت است و به برداشتی که سرمایه‌گذاران از صلاحیت و قابل اعتماد بودن مدیران دارند مربوط می‌باشد (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳). قابل اعتماد بودن منبع یک پیام به نوبه خود تنها یکی از عناصر تشکیل دهنده قابلیت اتکاء آن است (استینگر و بیرن بام - ۱۹۷۹) و متغیرهای دیگری نیز بر قابلیت اتکاء پیام تأثیر مهمی می‌گذارند (پتی و وگنر - ۱۹۹۸). این موضوع خود حاکی از آن است که قابل اعتماد بودن مدیریت فقط یکی از عواملی است که بر میزان اعتبار

می‌باشند. در تحقیقی که مؤید این موضوع است ایگلی و همکاران (۱۹۷۸)، آزمایشی را اجرا کردند که طی آن از شرکت‌کنندگان درخواست شد یک سخنرانی سیاسی را بخوانند. به برخی از شرکت‌کنندگان گفته شد که سخنرانی شخص سیاستمدار با باورهای مخاطبان هماهنگ است و به برخی دیگر اطلاع داده شد که این سخنرانی با باورهای شنوندگان هماهنگ نیست. وقتی محتوای سخنرانی با اعتقاد شنوندگان همسو بود شرکت‌کنندگان در آزمایش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را کم‌تر برآورد می‌کردند.

شکل ۱- عوامل مؤثر بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده



هستند، اما از لحاظ برآورد میزان این‌گونه تأثیرات قابلیت کم‌تری دارند. برای مثال وقتی شرکت‌کنندگان در آزمایش، میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را در یک مقیاس هفت درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کنند، محقق نمی‌تواند با اطمینان اظهار کند که ما به ازای واقعی یک درجه تفاوت در این مقیاس در ارتباط با دنیای واقعی چگونه قابل توجیه است. این نقاط قوت و ضعف، بر استنتاج‌های مبتنی بر تحقیقات متکی بر اطلاعات تاریخی و یا تجربی که در این مقاله بررسی شده، تأثیر می‌گذارند.

عوامل مؤثر بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت

چرا برخی از اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت معتبرتر از بقیه هستند؟ شکل ۱ نشان می‌دهد که اعتبار اطلاعات افشاء شده به وسیله عوامل زیر تحت تأثیر قرار می‌گیرد:

- ◀ انگیزه‌های ناشی از موقعیت که در تاریخ افشاء وجود دارد
- ◀ قابل اعتماد بودن خود مدیریت
- ◀ عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از عوامل بیرونی و یا درونی شرکت (محیط کنترلی)
- ◀ ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء اطلاعات شامل دقت، محمل افشاء، افق زمانی، منطقی بودن ذاتی آن و سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد.

ابتدا اثرات هر کدام از این عوامل بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به تفکیک مورد بحث قرار خواهد گرفت و سپس اثرات تعاملی بالقوه آن‌ها بررسی خواهد شد.

انگیزه‌های ناشی از موقعیت

از دیدگاه‌های استدلالی انگیزه‌های ارسال‌کننده پیام برای ارسال آن، بر میزان اعتبار خود پیام تأثیر می‌گذارد. برای مثال کلی (۱۹۷۲) معتقد است که مردم پیام‌ها را در راستای انگیزه‌های منبع تعبیر می‌کنند و نه در راستای اعتقادات منبع و برعکس تمایل مردم بر آن است که پیام‌های مغایر با انگیزه‌های منبع، منعکس‌کننده اعتقادات منبع خواهد بود. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که مردم تمایل کم‌تری به باور پیام‌هایی دارند که با انگیزه‌های منبع آن پیام‌ها هماهنگ

این نتیجه‌گویای آن است که شنوندگان توجه دارند که وقتی سخنرانی سیاسی با انگیزه‌های سیاستمداران (بازی دادن

این مطلب است که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌های با وضعیت مالی نابسامان، کم‌تر است. یافته‌های او حاکی از آن است که اطلاعات منتشر شده به وسیله شرکت‌های انگلیسی که از نظر مالی وضعیت نابسامانی داشته‌اند در مقایسه با اطلاعات منتشر شده به وسیله شرکت‌های انگلیسی که وضعیت مالی نابسامان نداشتند تغییرات کم‌تری در قیمت سهام را به دنبال داشته است. نتیجه تحقیقات کچ و فراست حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت به انگیزه‌های آنان حساس هستند.

به طور خلاصه قابلیت اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تا حدودی به انگیزه‌های ناشی از موقعیت که در تاریخ افشاء وجود دارد بستگی دارد. تحقیقات مشاهده‌ای موجود بر انگیزه‌های مدیریت در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده که موجب کاهش در میزان اعتبار افشاء برای اخبار مثبت می‌گردد و همچنین بر افشاهای بنگاه‌های دستخوش نابسامانی مالی، متمرکز می‌باشد. عوامل دیگری که ممکن است برای مدیریت انگیزه‌هایی برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده ایجاد کند هنوز مشخص نشده است. برای مثال مخاطرات عواقب حقوقی برای برخی اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت بیش‌تر است و این افزایش عواقب حقوقی بالقوه، انگیزه‌های مدیریت را در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده کاهش می‌دهد. اگر سرمایه‌گذاران متوجه شوند که ملاحظات مربوط به عواقب بالقوه حقوقی در رابطه با افشاء اطلاعات مورد توجه مدیریت می‌باشد، این امر نیز می‌تواند بر میزان قابلیت اتکاء اطلاعات افشاء شده تاثیرگذار باشد.

قابل اعتماد بودن مدیریت

تحقیقاتی که در روان‌شناسی اجتماعی انجام گرفته حاکی از آن است که میزان اعتبار پیام‌دهنده یک عامل مهم در میزان اعتبار خود پیام است (بیرن بام و استیگنر - ۱۹۷۹). به نظر می‌رسد این ارتباط در زمینه موضوعات مالی نیز وجود دارد. ویلیامز (۱۹۹۶) معتقد است که مدیران قادر هستند با افشاء اطلاعات معتبر برای خود اعتبار ایجاد کنند

مردم) هماهنگ باشد از اعتبار کم‌تری برخوردار خواهد بود. اطلاق این یافته‌ها به افشاء اطلاعات مالی حاکی از آن خواهد بود که وقتی مدیریت انگیزه‌های بیشتری برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده یا نادرست دارد سرمایه‌گذاران تمایل کم‌تری به باور اطلاعات افشاء شده توسط آنان خواهند داشت. تحقیقات بسیاری در خصوص مقایسه میزان اعتبار اخبار خوب نسبت به اخبار بد افشاء شده انجام گرفته و اثرات انگیزه‌ها در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. مدیران انگیزه بیش‌تری در ارائه اطلاعات بیش از اندازه مثبت دارند تا اطلاعاتی که بیش از اندازه منفی هستند (مک نیکلاس - ۱۹۸۹). بنابراین انتظار می‌رود، در صورت ثابت ماندن سایر عوامل، اخبار بد افشاء شده در مقایسه با اخبار خوب افشاء شده معتبرتر تلقی گردد. بسیاری از تحقیقات مبتنی بر سوابق اطلاعات تاریخی مؤید این ادعا است که اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت که شامل اخبار بد می‌باشد نسبت به حالتی که حاوی اخبار خوب است منجر به تجدید نظر بیش‌تر در پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران (هاسل و همکاران - ۱۹۸۸ و ویلیامز - ۱۹۹۶) و همچنین تغییرات بیش‌تر قیمت سهام (ریچاردسون و کرنی - ۱۹۹۹ و هیوتن و همکاران - ۲۰۰۳) می‌گردد.

در تحقیقات دیگری، اثرات انگیزه‌های ناشی از موقعیت بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از طریق مقایسه میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که از نظر مالی وضعیت مطلوبی دارند با اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که وضعیت مالی نابسامان دارند مورد بررسی قرار گرفته است. (کچ - ۱۹۹۹) استدلال می‌کند که وقتی یک شرکت از نظر مالی وضعیت نابسامانی دارد، مدیریت آن شرکت انگیزه‌های بیش‌تری در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده دارد، زیرا این گونه شرکت‌ها با افشاء اطلاعات نادرست منافع بیش‌تر و هزینه کم‌تری خواهند داشت. فرضیه و یافته‌های او حاکی از آن است که اگر وضعیت مالی شرکتی نابسامان باشد و این نابسامانی رو به افزایش باشد در آن صورت تحلیل‌گران به پیش‌بینی‌هایی که در مورد سود توسط مدیریت انجام گرفته اتکاء کم‌تری خواهند داشت. (فراست - ۱۹۹۷) گزارش می‌دهد که واکنش‌های بازار سهام نیز مؤید

خارجی و داخلی مبنی بر درستی اطلاعات افشاء شده توسط مدیران عامل تأثیرگذار دیگری بر میزان اعتبار این اطلاعات است. این گونه اطمینان بخشی می‌تواند توسط منابع خارج از سازمان مانند حسابرسان مستقل، تحلیل‌گران مالی و روزنامه‌نگاران فراهم شود و یا از طریق منابع داخلی مانند هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی مهیا گردد.

اطمینان بخشی توسط منابع بیرونی

پژوهش‌های تجربی بسیاری اثرات حسابرسی را بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت بررسی کرده است و یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد در صورت ثابت ماندن سایر عوامل، اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت که حسابرسی شده باشد از اطلاعات افشاء شده‌ای که حسابرسی نشده است معتبرتر تلقی می‌گردد. در این تحقیقات عده‌ای از شرکت‌کنندگان در آزمون اطلاعات افشاء شده پس از اعتبار بخشی حسابرس و عده‌ای دیگر اطلاعات فاقد اعتبار بخشی حسابرس دریافت کردند. تحقیقات نشان می‌دهد که بانکداران (لایبی - ۱۹۷۹) و همچنین تحلیل‌گران مالی (هوج - ۲۰۰۱) اطلاعات حسابرسی شده را معتبرتر از اطلاعات حسابرسی نشده تلقی می‌کنند. لفت و بیچ (۱۹۸۳)، بلک ول و همکاران (۱۹۹۸) مدارکی با استفاده از سوابق اطلاعات تاریخی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد اطمینان بخشی توسط منابع خارجی مانند حسابرسان میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت را افزایش می‌دهد. یافته‌های لفت و بیچ (۱۹۸۳) حاکی از آن است که بانک‌ها شرکت‌های خصوصی را ملزم به فراهم کردن صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌نمایند، بلک ول و همکاران (۱۹۹۸) گزارش می‌دهند که بانک‌داران نرخ بهره کم‌تری بر حساب‌های شرکت‌های خصوصی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌نمایند اعمال می‌کنند. این تحقیقات که با توجه به سوابق اطلاعات

که این امر به نوبه خود موجب افزایش میزان پذیرش اطلاعاتی می‌شود که در آینده توسط آنان افشاء خواهد شد. برای آزمون این فرضیه وی دو گروه از مدیران را تعیین کرد که در یک گروه مدیرانی با اعتبار بیش‌تر و در گروه دیگر مدیرانی با اعتبار کم‌تر قرار داشتند. میزان اعتبار این گروه‌ها براساس نزدیک بودن رقم سود پیش‌بینی شده توسط آنان به سود گزارش شده واقعی ارزیابی شده بود. ویلیامز (۱۹۹۶) متوجه می‌شود که میزان تجدید نظر پیش‌بینی تحلیل‌گران در مورد پیش‌بینی‌های سود آتی توسط مدیریت تابعی است از دقت پیش‌بینی‌های قبلی مدیران.

هرست و همکاران (۱۹۹۹) در نتیجه انجام آزمونی مدارکی دال بر تأیید این مطلب ارائه می‌کنند. آن‌ها به اطلاع برخی از شرکت‌کنندگان در آزمون می‌رسانند که اطلاعاتی که قبلاً توسط مدیریت افشاء شده درست بوده است و به برخی دیگر می‌گویند که این اطلاعات صحیح نبوده است. آن‌ها نیز مانند ویلیامز متوجه می‌شوند در صورتی که در دوره‌های زمانی قبل مدیریت پیش‌بینی‌های درستی ارائه کرده باشد سرمایه‌گذاران بر اطلاعات افشاء شده‌ای که در حال حاضر توسط مدیریت ارائه می‌شود اتکاء بیش‌تری دارند. هوج و همکاران (۲۰۰۰) نتایج مشابه‌ای را در یک آزمایش با موضوع متفاوت گزارش می‌کنند. آن‌ها متوجه

می‌شوند در صورتی که تحلیل‌گران معتقد باشند مدیریت از اعتبار بیش‌تری برخوردار است، سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد موافقت بیش‌تری با تصمیمات مدیریت مبنی بر طبقه‌بندی اوراق بهادار دوگانه در بخش حقوق صاحبان سهام ترازنامه نشان می‌دهند. مجموعاً این تحقیقات گویای آن است که قابل اعتماد بودن مدیریت عامل مهمی در میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط آنان می‌باشد.

عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از عوامل بیرونی و یا عوامل درونی شرکت (محیط کنترلی)

میزان اطمینان بخشی ناشی از محیط کنترلی اعم از

مطالبات مشکوک‌الوصول و گردش آن حساب را در شرکت نکستل مورد انتقاد قرار داد، در روز انتشار گزارش او، قیمت هر سهم نکستل، ۵ سنت کاهش یافت (لی-۲۰۰۲). به هر حال هنوز نتیجه‌گیری‌های مرتبط با اثر واکنش‌های تحلیل‌گران در مورد اطلاعات افشاء شده و چگونگی تأثیر آن بر واکنش‌های سرمایه‌گذاران نسبت به آن اطلاعات تا حد زیادی بر سوابق مشاهدات اشخاص مختلف استوار است.

اطمینان بخشی نوسط منابع درونی

اطمینان بخشی ممکن است از طریق منابع درونی شرکت صورت گیرد. برای مثال هیئت مدیره نظارت و کنترل بر عملیات شرکت و از جمله افشاء اطلاعات مالی آن را در اختیار دارد. در صورتی که هیئت مدیره شرکت از کیفیت سطح بالایی برخوردار باشد، سرمایه‌گذاران نسبت به صحت اطلاعات ارائه شده توسط آن‌ها احساس اطمینان بیشتری خواهند داشت. تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی آن‌ها مستقل‌تر هستند و یا به عبارت دیگر تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره در آن‌ها به نسبت اعضای موظف بیشتر است، اعمال نظر بر نحوه ارائه سود و تقلب کمتر صورت می‌گیرد (بیسلی-۱۹۹۶ و کلین-۱۹۹۹). همچنین در شرکت‌هایی که تعداد جلسات هیئت مدیره و کمیته حسابرسی آن بیش‌تر و اعضای آن از مهارت‌های مالی بالاتری برخوردار است، باز هم اعمال نظر بر نحوه ارائه سود کم‌تر می‌باشد (آکسی و همکاران-۲۰۰۳). این شواهد حاکی از آن است که در شرکت‌هایی که هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی آن‌ها مستقل، کوشا و کارآزموده هستند، اطلاعات افشاء شده از کیفیت بهتری برخوردار است.

در خصوص این مطلب که آیا سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده این موارد را مد نظر قرار می‌دهند یا خیر شواهد کمی وجود دارد، اما تحقیقات اولیه دال بر مورد توجه قرار دادن آن‌ها است. یافته‌های **بلک و همکاران (۲۰۰۳)** حاکی از آن است که شرکت‌هایی که درصد تعداد مدیران غیرموظف و یا قدرت کمیته‌های حسابرسی

تاریخی صورت گرفته نشان دهنده آن است که بانگذاران معتقدند حسابرسان با حسابرسی صورت‌های مالی میزان اعتبار آن‌ها را افزایش می‌دهند و این موضوع یافته‌های تجربی را تأیید می‌کند.

رسانه‌های اطلاعاتی مانند روزنامه‌نگاران تجاری و تحلیل‌گران مالی منابع بالقوه دیگر خارجی برای اطمینان بخشی در مورد درستی اطلاعات افشاء شده هستند. روایات متعدد بیانگر آن است که نظرات روزنامه‌نگاران تجاری بر نحوه برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت تأثیر می‌گذارد. برای مثال یک روز پس از انتشار مقاله‌ای در نیویورک تایمز که در آن نحوه گزارشگری شرکت آی. بی. ام I.B.M در مورد سود ناشی از فروش یکی از واحدهای آن مورد انتقاد قرار گرفته بود، قیمت هر سهم این شرکت به میزان ۵ سنت کاهش یافت (بارت-۲۰۰۲). دو تحقیق انجام شده توسط فوستر (۱۹۷۹، ۱۹۸۷) مؤید تأثیر نظرات روزنامه‌نگاران تجاری بر برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده می‌باشد. فوستر واکنش‌های سرمایه‌گذاران را در مورد مقاله‌های نوشته شده توسط **آبراهام بریلوف** که منتقد روش‌های افشاء اطلاعات و حسابداری شرکت‌ها است و در مجلات مختلف مقاله می‌نویسد، مورد بررسی قرار داد. یافته‌های (فوستر-۱۹۷۹) حاکی از آن است که قیمت سهام شرکت‌هایی که **بریلوف** از آن‌ها انتقاد می‌کند در روزی که مقاله وی منتشر می‌شود به طور متوسط ۸٪ کاهش می‌یابد.

واکنش‌های تحلیل‌گران مالی به افشاء اطلاعات نیز می‌تواند بر نحوه برداشت سرمایه‌گذاران در مورد میزان اعتبار این اطلاعات تأثیر بگذارد. وقتی **دیوید تاپس** که یک تحلیل‌گر مالی است، در بولتن خبری که در اکتبر ۱۹۹۹ منتشر کرد **تایکو** را متهم به ارائه اطلاعات گمراه‌کننده در مورد خریدهای خود نمود، سرمایه‌گذاران معتبر بودن اطلاعات افشاء شده توسط **تایکو** را مورد تردید قرار دادند و قیمت سهام آن به یک‌باره سقوط کرد (گوگوی-۲۰۰۱). وقتی اخیراً یکی از تحلیل‌گران مالی مؤسسه **جی پی مورگان** به نام **توماس لی** اطلاعات ارائه شده در مورد روش برآورد



مالی باشد و یا از گروه‌های درون شرکت مثل هیئت مدیره، کمیته حسابرسی و حساب‌رسان داخلی حاصل گردد.

ویژگی‌های ذاتی نحوه افشاء موضوع

عوامل دیگری که میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد به ویژگی‌های خود افشاء مربوط می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از: دقت، محمل افشاء، افق زمانی، وجود سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد و منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده.

دقت

اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت از درجات دقت متفاوتی برخوردار هستند. برای مثال پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت ممکن است به صورت برآوردهای دقیق و نقطه‌ای صورت گیرد، ممکن است به صورت برآوردی بر روی یک دامنه یا طیف انجام شود و یا حتی به صورتی با دقت کمتر و به شکل برآوردهایی با حداکثر و حداقل برای آن شکل گیرد. بسیاری از نویسندگان استدلال می‌کنند که افشاهای غیردقیق گزینه‌ای بر فقدان اطمینان خود مدیریت است و در مقایسه با اطلاعات افشاء شده با دقت بالا به عنوان افشاهایی با میزان اعتبار کمتر در نظر گرفته خواهند شد (هاسل و همکاران-۱۹۸۸ و کینگ و همکاران-۱۹۹۰). یافته‌های تحقیقات مشاهده‌ای مؤید این است که سرمایه‌گذاران این برداشت را دارند که اطلاعات پیش‌بینی شده دقیق از اطلاعات پیش‌بینی شده غیردقیق معتبرتر است. هرست و همکاران (۱۹۹۹)، آزمایشی را اجرا کردند که طی آن اطلاعات پیش‌بینی شده توسط مدیریت را که از نظر دقت در درجات مختلفی از برآوردهای نقطه‌ای تا برآوردهای دامنه‌ای قرار داشت به شرکت‌کنندگان در آزمایش ارائه کردند. آن‌ها پی بردند که وقتی اطلاعات پیش‌بینی شده مدیریت از دقت بیش‌تری برخوردار است، سرمایه‌گذاران نسبت به زمانی که اطلاعات پیش‌بینی شده از دقت کم‌تری برخوردار است احساس اطمینان و اتکاء بیش‌تری دارند. یافته‌های باگینسکی و همکاران (۱۹۹۳)، با استفاده از سوابق اطلاعات

آن‌ها زیاده‌تر می‌باشد، از قابلیت اتکاء بیش‌تری در بازار برخوردارند و این طور استدلال می‌شود که این امر به دلیل آن است که سرمایه‌گذاران جریان عواید با ثبات‌تری را برای این‌گونه شرکت‌ها انتظار دارند. یافته‌های وایلد (۱۹۹۶) حاکی از آن است که تشکیل یک کمیته حسابرسی موجب اتکاء بیش‌تر سرمایه‌گذاران به افشاء اطلاعات مربوط به سود شرکت می‌گردد. بنابراین شواهد موجود حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران در ارزیابی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده، ترکیب هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی شرکت را مدنظر قرار می‌دهند. در حال حاضر به دلیل فضاقت‌های اخیر حسابداری بررسی‌های بسیار زیادی در مورد هیئت مدیره صورت می‌گیرد که این امر ممکن است در آینده منجر به نقش بیشتر هیئت مدیره در میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده گردد.

یکی دیگر از منابع درونی که در مورد صحت اطلاعات افشاء شده اطمینان می‌دهد بخش حسابرسی داخلی شرکت است. حساب‌رسان داخلی اغلب در خط مقدم دفاع در مقابل اشتباهاتی که در اطلاعات وجود دارد خدمت کرده و سعی می‌کنند اشتباهات غیر عمد را که به دلیل ضعف کنترل‌های داخلی شرکت صورت گرفته و همچنین تحریف‌های عمدی ناشی از تقلب را بیابند. در نتیجه اگر سرمایه‌گذاران راهی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی داخلی داشته باشند، اطلاعات افشاء شده توسط شرکت‌هایی که بخش حسابرسی داخلی آن‌ها قوی‌تر ارزیابی می‌شود ممکن است معتبرتر تلقی گردد. در مورد رابطه بین توانایی بخش حسابرسی داخلی و میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط شرکت تحقیقات کمی صورت گرفته است. یکی از دلایل احتمالی این امر مشکلات مربوط به نحوه تعیین کیفیت کار بخش حسابرسی داخلی یک شرکت توسط سرمایه‌گذاران و هم چنین محققین می‌باشد.

به طور خلاصه، اطمینان بخشی در مورد صحت اطلاعات افشاء شده می‌تواند بر میزان اعتبار این اطلاعات تأثیر بگذارد. این اطمینان بخشی ممکن است ناشی از گروه‌های بیرون از شرکت مانند حساب‌رسان، رسانه‌های تجاری و تحلیل‌گران

پول شویی

ناصر پرتوی



پول شویی عملی غیرقانونی است که درآمد حاصل از خلاف شرع و یا قانون طی فرآیندی ساده و یا پیچیده قانونی می‌شود. یا به عبارتی پول کثیف ناشی از خلاف، تبدیل به پول‌های به اصطلاح تمیز می‌گردد و در بدنه اصلی اقتصاد به جریان می‌افتد.

پول‌های کثیف مانند قاچاق (مواد مخدر، کالا و انسان)، جاسوسی، آدم‌ربایی، موارد جنایی، فساد سیاسی، گروگان‌گیری، قمار، تقلبات در اینترنت، تروریسم، فرار مالیاتی و بالاخره رشوه (مالی و یا اداری).

۹۰ درصد از پول‌های کثیف در ابتدا به صورت نقد و یا چک‌های مسافرتی است که به سرعت از طریق سیستم بانکی به بدنه اقتصاد و شبکه تجاری وارد می‌شود. مضافاً این که ایجاد سود و درآمدزایی نیز می‌کند.

پول‌هایی که از این اعمال خلاف به دست می‌آید، اکثراً در کشورهای در حال توسعه می‌باشد و امکان ورود به کشورهای توسعه یافته را نیز می‌یابد که البته ایران هم از این امر مستثنی نیست.

پول شویی جرمی است که شبکه بسیار وسیعی از مجرمان و افراد بی‌گناه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در آن دخالت دارند

تأکید می‌شود؛ اغلب این انتقال‌ها از طریق سیستم بانکی کشور صورت می‌گیرد، بنابراین سیستم بانکی آگاهانه یا ناآگاهانه دخالت مستقیم در این امر دارد.

مراحل عملیات پول شویی:

- ۱- محل یابی (موقعیت یابی)
- ۲- تغییر وضعیت (موقعیت)
- ۳- ادغام و ترکیب

اولین مرحله، محل یابی است که در این مرحله، پول نقد و چک‌های مسافرتی وارد سیستم بانکی کشور می‌شود. در این مرحله، ردیابی فعالیت خلاف بسیار آسان می‌باشد. بنابراین قوانین بانکی باید به گونه‌ای تغییر یابد که فعالیت‌های مالی بیش از سقف

معینی ماهانه گزارش شود.

دومین مرحله، تغییر موقعیت است که در این مرحله درآمدهای غیر قانونی از منبع اصلی خود با استفاده از عملیات بانکی جدا می‌شود یا در بین بانک‌های کشور جابه‌جائی صورت می‌گیرد. در این مرحله نیز شناسایی فعالیت خلاف آسان می‌باشد.

سومین مرحله، ادغام و ترکیب می‌باشد که آخرین مرحله پول شویی است. در این مرحله وجوه غیر قانونی توسط یک‌سری فعالیت‌های ساده و یا پیچیده با بدنه اصلی اقتصاد کشور ادغام می‌شود، در این زمان شناسایی ردپای پول‌های کثیف بسیار دشوار و در حد غیر ممکن می‌باشد.

اطلاع از ارقام واقعی پول شویی برای هیچ کشوری امکان‌پذیر نیست و فقط می‌توان درصدی از آن را شناسایی و نابود کرد. طبق آمار استخراج شده در سال ۲۰۰۴ در سطح بازارهای مالی بین‌المللی حدود ۲ تا ۵ درصد GNP جهانی بوده است.

پول شویی جرمی است که شبکه بسیار وسیعی از مجرمان و افراد بی‌گناه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در آن دخالت دارند. چنانچه از پول کثیف ناشی از فساد مالی و اداری و رانت‌های موجود در جامعه به سرعت جلوگیری نشود، باعث به وجود آمدن و گسترش هر چه بیشتر در سطح ادارات، بانک‌ها و مؤسسات مالی خواهد شد.

متأسفانه برخی از مسؤولان

تصور می‌کنند که

مبارزه با پول شویی

موجب وارد شدن لطمه به

نظام مالی

و اقتصادی کشور می‌شود

انتقال پول‌های کثیف ناشی از رشوه و فساد، غالباً به موارد ذیل منتهی می‌شود:

- ۱- سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها یا ایجاد شرکت در داخل و یا خارج از کشور
- ۲- ایجاد سازمان‌های خیریه یا مؤسسات قرض‌الحسنه
- ۳- سپرده‌گذاری در بانک‌ها
- ۴- خرید و فروش طلا، ارز و اوراق مشارکت
- ۵- خرید و فروش املاک
- ۶- تأمین هزینه‌های انتخاباتی
- ۷- انتقال به کشورهای دیگر که مجرم در آن کشور اجازه اقامت داشته یا تبعه باشد و احیاناً برگشت آن به صورت نقد یا کالا.

تقاضای پول در جریان افزایش می‌یابد. بنابراین در کشورهای در حال توسعه از روش ساده برای تطهیر پول استفاده می‌شود، ولی چنانچه پول کثیف، با یک سری عملیات پیچیده، تطهیر شود باعث کاهش تقاضای پول در جریان خواهد شد.

این تفاوت به علت تغییر در روش‌های پول شویی و تغییر در محلیابی سیستم بانکی به طرف بازارهای

مالی موازی و همچنین ابزارهای غیر پولی و افزایش تجارت پایاپای و تهاتری می‌باشد.

پول‌های کثیف به جهت عدم ثبت در G N P کشور، سیستم‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ زیرا آمار غلط G N P مسلماً باعث سیستم‌های نادرست پولی و

مالی دولت‌ها خواهد شد و در تقاضای پول و نوسانات نرخ بهره در سطح بازار اثر خواهد گذاشت.

قابل ذکر است که توزیع درآمد نیز در سطح کشور تغییر می‌یابد و مهم‌تر این که سرمایه‌گذاری‌های شفاف به سمت سرمایه‌گذاری‌های با کیفیت پایین هدایت می‌شود و در نتیجه رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

توجه شود که وجوه به دست آمده از پول‌های کثیف به سمت بخش‌های تجاری کوچک و متوسط هدایت می‌شود، زیرا فرار مالیاتی و رشوه در این بخش‌ها عادی است و بالاخره اعتماد به بازار و سرمایه‌گذاری مفید به علت استفاده از این موارد کاهش پیدا می‌کند و این بزرگ‌ترین آفتی است که ناآگاهانه بر اقتصاد کشور وارد می‌شود و رخنه می‌کند.

متأسفانه قوانین و مقررات حاکم بر سیستم بانکی تا حدود زیادی به گونه‌ای است که امکان سوءاستفاده پول‌شویان را از سیستم بانکی آسان کرده است و علت این امر این است که بانک‌ها به صورت سنتی، قوانین و مقررات اداری مبنی بر عدم دخالت بانک‌ها و مؤسسات مالی را رعایت می‌کنند و به همین منظور پایگاهی قابل اتکا و مطمئن برای انتقال پول و وجوه می‌باشند و به

عبارتی دیگر بانک‌ها و مؤسسات مالی به صورت سنتی عادت کرده‌اند که بدون این که در مورد منابع وجوه کنجکاوی کنند به علت بخشی‌نگری برای بیش‌تر کردن منابع خود فقط وظیفه دریافت و انتقال وجوه را فراهم می‌کنند.

در صورتی که یقیناً این‌گونه وجوه به صورت کوتاه‌مدت در بانک‌ها خواهد ماند و عوایدی برای بانک‌ها نخواهد داشت.

اثرات پولشویی بر اقتصاد

قاعدتاً حجم گسترده‌ای از پول‌های در جریان در شبکه تجاری جهانی، پول‌های کثیف می‌باشند. در سال ۲۰۰۴ حدود ۳۰۰۰ میلیارد دلار پول در جهان تطهیر شده است.

با تعمق بیشتر متوجه می‌شویم، میان پول‌های خلاف و تقاضای پول در جریان، ارتباطی مستقیم وجود دارد. افزایش ناگهانی در جرایم، باعث افزایش تقاضای پول نقد می‌شود؛ یعنی چنانچه پول‌های کثیف با یکسری عملیات ساده تطهیر شود یا به عبارتی در کشوری که از روشی ساده برای تطهیر پول استفاده می‌شود،

۹۰ درصد از پول‌های کثیف

در ابتدا به صورت نقد و یا

چک‌های مسافرتی است

که به سرعت

از طریق سیستم بانکی

به بدنه اقتصاد و شبکه تجاری

وارد می‌شود

سیستم‌های ضد پول شویی

متأسفانه برخی از مسؤولان تصور می‌کنند که مبارزه با پول شویی موجب وارد شدن لطمه به نظام مالی و اقتصادی کشور می‌شود. بنابراین از اعمال روش‌های ضد پول شویی ترس دارند. در صورتی که ترس از اعمال قوانین ضد پول شویی موجب عقیم ماندن بازارهای مالی می‌شود و در نتیجه به نظام اقتصادی کشور آسیب فراوان می‌رسد.

بنابراین به جرأت می‌توان گفت: مبارزه با پول شویی به هیچ عنوان

تهدیدی برای روش‌های مالی و اقتصادی کشور نمی‌باشد. پس باید کشورها با اتخاذ سیاست‌های مناسب و سازمان‌دهی مطلوب به مبارزه با پول شویی بپردازند.

برخی از سیاست‌ها و روش‌های مبارزه با پول شویی:

- ۱- کنترل، نظارت و هدایت بر ارزش‌های خارجی
- ۲- اعمال نظارت بر سیستم بانکی کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی
- ۳- اعمال نظارت بر مؤسسات قرض الحسنه شرکت‌های لیزینگ و سازمان‌های خیریه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی
- ۴- ارائه گزارش توسط بانک‌ها از انتقال وجوه از مبلغی معین برای اشخاص حقوقی و حقیقی
- ۵- وصول به موقع مالیات

بسرای نبل بسده اهداف فوق پیشنهاد می‌شود: کشورها، مدارهایی به عنوان سازمان مبارزه با پول شویی ایجاد شود.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که پس از تشکیل سازمان مبارزه با پول شویی افرادی صاحب نظر در رشته اقتصاد،

حقوق، مدیریت، بانکداری و بالاخص رشته حسابداری در کادر مدیران اجرایی آن سازمان قرار گیرند و پس از تشکیل سازمان و انتخاب مدیران رده بالا و میانی آن باید قوانینی تدوین گردد که:

- ۱- نهادهای مالی باید در انتخاب مشتریان خود و کسب

اطلاعات دقیق از آنها دقت به خرج دهند.

- ۲- بانک‌ها، ارگان‌های واسطه‌های، صندوق‌های قرض الحسنه، تعاونی‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری باید موظف شوند که برای مبارزه با پول شویی نیروی کار زبده از حسابداران و حسابرسان را به خدمت بگیرند.

- ۳- سازمان بورس اوراق بهادار ملزم به ارائه گزارش به سازمان مبارزه با پول شویی شود.

- ۴- عدم گسترش بدون نظارت حساب‌های مالی الکترونیکی

منوارد فوق باید به صورتی نظراحتسای بران کردد که جامعه و دستسرنای همبول باام امنیت لاره را داشته باشند و بهتر است که فعالیت مبارزه با پول شویی در ابتدای سال باشد که بهترین زمان شروع، اول فروردین ۱۳۸۵ می‌باشد.

مؤسسه حسابرسی ارقام نگر آریا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مصطفی احمدی وسطی کلایی
قاسم شیخانی
سید محمد رضوی
اسفندیار گرشاسی

نشانی: تهران - خیابان شریعتی - نرسیده به
خیابان بهار شیراز - پلاک ۴۱۱
واحد شماره ۲

تلفن: ۷۷۵۰۱۹۱۳-۶۶۴۸۲۲۸۵

فکس: ۷۷۵۰۱۹۱۳

کدپستی: ۱۶۱۲۹۹۴۵۳۴

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابراهیم موسوی
هوشنگ منوچهری
حسن صالح آبادی

نشانی: تهران - خ مطهری - جنب باشگاه
بانک سپه - پلاک ۴۳ - طبقه چهارم

تلفکس: ۸۸۴۱۱۵۰۵ و ۸۸۴۲۳۵۳۴

کدپستی: ۱۵۶۷۷۱۷۸۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۹۳۵

مؤسسه حسابرسی آذین حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

ابوالقاسم معماری
مجید کیانی
مهدی رضا قاسمیان

نشانی: اصفهان - میدان آزادی - ساختمان
آزادی - طبقه ۲ - شماره ۶
(بلوک A, B)

تلفن: ۰۳۱۱-۶۴۴۱۹۱۷ و ۸

فکس: ۶۶۱۰۵۹۶

صندوق پستی: ۸۱۶۴۵-۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آزموندگان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهرداد آل علی
فرهاد فرزاد

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
خ حافظ - شماره ۷۰۱ - طبقه ۴

تلفن: ۸۸۸۰۳۴۶۵-۸۸۸۰۲۶۳۹

فکس: ۸۸۹۲۶۷۵۴

صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

مؤسسه حسابرسی آزموده کاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مسعود بختیاری سوجبلاغی
علی اصغر فرخ
علی خیراندیش
جعفر نیکدل

نشانی: میدان آرژانتین - خیابان الوند
خیابان ۲۷ - پلاک ۱۹ - طبقه ۲

تلفن: ۸۸۷۹۲۵۷۹

فکس: ۸۸۷۷۱۳۸۰

صندوق پستی: ۷۳۱۸-۱۹۳۹۵

مؤسسه حسابرسی آریابهروش

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

فتحعلی ولانی
مرتضی شعبانی
فرامرز میرزایی صلحی

نشانی: خ ملاصدرا - شیراز جنوبی - انتهای
گرمسار شرقی - ساختمان کردستان
واحد ۶

تلفن: ۸۸۰۳۴۴۰۶

فکس: ۸۸۰۳۴۴۸۲

کدپستی: ۱۴۳۵۸۸۴۱۴۳

مؤسسه حسابرسی آگاه تدبیر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سعید برهانی
سیامک فتحی دهکردی

نشانی تهران: شهرک قدس - بلوار فرحزادی
بعد از چهار راه دریا - نبش کوچه ایرانی
ساختمان مروارید - واحد یک

تلفن: ۲۲۳۶۷۷۸۴ فکس: ۲۲۳۶۷۷۸۳

نشانی اصفهان: خیابان چهار باغ بالا

مجتمع پارسیان - طبقه دوم - واحد ۴۰۶

تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۷۴۹۹۱

فکس: ۰۳۱۱-۶۲۷۳۵۶۹

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت برترین پژوهشگر

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد حسین دادگستر
جهانبخش فرهادیان
محمد علی دعایی

نشانی: تهران - سعادت آباد - میدان کاج
مجتمع تجاری اداری سروستان
واحد ۳۰۸

تلفن: ۲۲۰۹۱۳۲۰ و ۴۳

فکس: ۲۲۰۸۰۸۱۷

کدپستی: ۱۹۹۷۹۹۸۳۵۵

مؤسسه حسابرسی بهراد مشار

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مهربان پرویز
بهرروز ابراهیمی
رضا یعقوبی
فریده شیرازی
شیرین مشیر

نشانی: تهران - خیابان مطهری - خیابان جم
پلاک ۲۹ - طبقه دوم

تلفن: ۸۸۲۲۶۵۲۷-۸

فکس: ۸۸۳۰۹۴۹۰

راهنمای مؤسسات حسابرسی

مؤسسه حسابرسی پرتو حساب تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر بختیاری
ناصر بیک
محمد دشت آبادی

نشانی: خیابان کارگر شمالی - خیابان نصرت
بعد از جمال زاده - پلاک ۲۵۰

تلفن: ۳ و ۲ و ۶۶۹۰۷۹۵۲ - ۶۶۹۴۹۱۴۹
فکس: ۶۶۹۰۷۹۵۳ و ۶۶۹۴۹۱۴۹
کد پستی: ۱۴۱۹۸-۵۳۸۱۱

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پرسیان پاد

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

محمد رضا ستارزاده
رسول نصیری خوبدهی

نشانی: خیابان طالقانی - بعد از چهارراه
مفتح - ساختمان ۲۹۰ - طبقه سوم

تلفن: ۸۸۳۰۷۳۱۷
فکس: ۸۸۸۲۸۱۴۳

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت حساب گستر پویا

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

اصغر خرمی دیزجی
علی صاره راز
مرتضی فلاح موحد

نشانی: تهران - خیابان طالقانی
بعد از چهار راه بهار - کوچه وزین
پلاک ۵۶۳ - طبقه چهارم

تلفن: ۷۷۶۰۳۳۵۲
فکس: ۷۷۵۰۷۵۴۸

مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی دایار ایان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

علی امانی
رضا مستاجران
غلامحسین دوانی

نشانی: خیابان مطهری - خیابان کوه نور
خیابان هفتم - شماره ۵۰
طبقه دهم - واحد ۱۰۲-۱۰۱

تلفن: ۵ و ۸۲ و ۸۸۷۳۹۰۸۳
فکس: ۸۸۷۳۹۰۵۶

مؤسسه حسابرسی و حسابداری دقیق

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

یداله فلاحتی
روح اله خانی اوشانی

نشانی تهران: کوی نصر - خ ۱۴ - پلاک ۲۲
نشانی کرمان: خیابان ۲۴ آذر - کوچه ۵
شماره ۵۰

تلفن تهران: ۸۸۲۸۸۲۶ - ۱۲۴۳۸۹۹
فکس کرمان: ۲۴۶۴۰۷۲ - ۰۳۴۱

مؤسسه حسابرسی دیلمی پور و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

نصرت اله تشخیص
CPA مصطفی دیلمی پور
نصراله سعادت

نشانی: تهران - بزرگراه آفریقا - پلاک ۲۳
مجمع اداری الهیه - واحد ۶۰۶

تلفن: ۲۲۰۴۹۴۹۷
فکس: ۲۲۰۱۷۵۰۲
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۱۹۳۹۹

مؤسسه حسابرسی داوران حساب

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

شعبان حبیب پور کوچکی
نادر بسنده
عباسعلی نیک نفس

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی - خیابان
شهدا - شماره ۱۷ - واحد ۱۷

تلفن: ۸۸۷۲۴۸۴۱ - ۸۸۷۲۴۸۶۱
فکس: ۸۸۷۲۸۲۴۲
صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۱۳۳۶

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

شهریار دیلم صالحی
حسین شیخ سفلی
فرامرز نوروزی
محمد حاجی پور

نشانی: تهران - سپهرودی شمالی - بالاتر از
آبادانا - خیابان سراب - پلاک ۱۸ - واحد ۱۲

تلفن: ۲۱ و ۸۸۷۴۹۰۲۰
فکس: ۸۸۷۴۷۸۳۸

مؤسسه حسابرسی رهیافت و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مجید صفاتی
حسن حاجیان
مصطفی جهانبانی
مرتضی عسگری

نشانی تهران: خیابان سپهرودی شمالی - نرسیده
به میدان شهید فندی - شماره ۱۵۹ - طبقه ۳

نشانی مشهد: بلوار فردوس - خیابان ابن سینا
غربی - پلاک ۲۳۷ - ساختمان رهیافت

تلفن: ۶ و ۶۰۷۴۸۵۱ - ۰۵۱۱
فکس: ۶۰۴۳۴۲۱ - ۰۵۱۱

راهنمای مؤسسات حسابرسي

مؤسسه حسابرسي سپاهان تراز

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران
شرکا (حسابداران رسمی):

سید امیر حسین ابطحي نائبي
مهران پوریان
علیرضا جعفري نسب
عیاس حیدری کبریتي
سید شهباز نوریان

نشانی تهران: بلوار میرداماد - خ شهید حساری
(رازان جنوبی) - بن بست بیست و یکم - پلاک ۴
طبقه دوم

تلفن: ۲۲۹۰۳۷۵۹ - ۲۲۹۰۳۷۵۸
فکس: ۲۲۲۷۶۳۳۸

تلفن دفتر اصفهان: ۶۶۹۹۵۹۵ - ۶۶۹۹۴۹۴ (۰۲۱۱)
فاکس دفتر اصفهان: ۶۶۸۷۶۰۰ (۰۲۱۱)

تلفاکس دفتر یزد: ۸۲۵۳۹۶۱ (۰۳۵۱)

مؤسسه حسابرسي شافهي اندیشان

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

احد شله جي
جهانگیر رضائي
مجتبی الهامی
کوروش شایان
علیرضا شایان
حمیدرضا شایان

نشانی: تهران - خیابان ظفر - خ نفت شمالی
نیش خیابان نهم - پلاک ۳۱/۱۱۴ - طبقه ۶
واحد ۲۳

تلفن: ۲۲۹۰۴۱۹۹ - ۲۲۲۷۲۱۹۰
فکس: ۲۲۹۰۴۲۰۰

مؤسسه حسابرسي شراکت

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

سیروس گوهری
مجید کشور پڑوه لنگرودی
حسن فرخ نیا

نشانی: تهران - خ دکتر بهشتی - خیابان
قائم مقام فراهانی - ساختمان ۲۱۶ - طبقه ۴

تلفن: ۸۸۷۱۷۶۵۱ - ۸۸۷۱۷۶۵۰

فکس: ۸۸۷۵۹۰۹۴

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۶۶۶۶

مؤسسه حسابرسي ناصر مشاور تهران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

معصومه شعبان
اکرم علیاری
محبوب مهدی پور بهمیری
حمید رضا خواجوی

نشانی: فلسطین شمالی - مابین بلوار کشاورز
و زرتشت - پلاک ۳۹ - ساختمان ۵۵
طبقه ۴ - واحد ۱۸

تلفکس: ۸۸۹۰۵۶۴۷ - ۸۸۹۰۲۳۸۹ - ۸۸۸۹۰۶۱۹
کد پستی: ۱۴۱۵۸ - ۴۳۳۳۸

مؤسسه حسابرسي فراگیر اصول

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

مراد جعفر زاده اسلامی
مسعود جعفر زاده اسلامی
علی صدر پناه

نشانی: خ ۲۳ گاندی - پلاک ۲۱ - واحد ۲

تلفن: ۸۸۶۶۱۲۶۹
فکس: ۸۸۶۶۱۲۶۹

مؤسسه حسابرسي فردا پدید و همکاران

عضو انجمن حسابداری ایران
عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

شرکا (حسابداران رسمی):

حسن تنگ عیش
فرانک زنده نوش

نشانی: تهران - میدان جهاد (فاطمی)
کوچه کامران - پلاک ۱۵ - طبقه ۴
واحد ۸

تلفن: ۸۸۸۹۹۱۴۱ و ۸۸۸۹۹۰۷۰

فکس: ۸۸۸۹۹۷۰۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۹۵۳۹۸

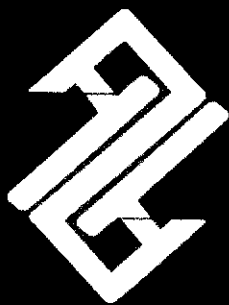
نشانی انجمن

خیابان ملاصدرا - خیابان خوارزمی (سازمان گوشت)

کوچه میلاد - شماره ۷ غربی

شماره تلفن‌های: ۸۸۰۳۸۴۱۸ و ۸۸۰۵۱۳۴۱

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۹۵۵۴





بانک کارآفرین

دانش جهانی، راه حل ایرانی

بیشترین سود

حساب پشتیبان

01001010001010101101100100011101010011

10001010101101100100011101010011

علی الحساب

۱۴٪

00101010110110010000100101000101010110

در بانک کارآفرین می توانید حساب جاری خود را به

حساب سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت خود (حساب پشتیبان)

مرتبط نموده و از نرخ سود روزشمار علی الحساب ۱۴٪ در سال استفاده نمایید

نرخ سود سپرده های کوتاه مدت: ۱۴٪ در سال

نرخ سود سپرده های کوتاه مدت ویژه: ۱۶٪ در سال

www.karafarinbank.com

تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام



✓ رؤوس خدمات ما:

- اعطای تسهیلات در راستای ایجاد اشتغال و افزایش تولید و ارائه خدمات به اقشار مختلف جامعه.
- پرداخت بیشترین سود علی الحساب به سپرده گذاران (بلند مدت یکساله ۲۰٪ سپرده ۶ ماهه ۱۴٪ و کوتاه مدت ۱۳٪)
- پرداخت سود قطعی سالهای ۸۱ و ۸۲ (۳ و ۴٪ بیشتر از نرخ علی الحساب).
- امکان استفاده از سیستم SMS به منظور اطلاع رسانی از انواع حسابها.
- انجام ۳ مرحله قرعه کشی حسابهای پس انداز در سال ۸۳ و اعطای دهها هزار جایزه از قبیل واحد مسکونی، خودرو، شمش طلا و ...

✓ ارائه خدمات روز دنیا در دستور کار ماست.

- ایجاد زمینه استفاده از کارتهای الکترونیکی با امکان نگهداری تا ۷ نوع حساب.
- تهیه و نصب دستگاههای خودپرداز ATM با قابلیت پیشرفته دریافت و پرداخت.
- واریز و برداشت از حسابها بصورت ONLINE در سراسر کشور ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته.
- تهیه و نصب سیستمهای گویا از قبیل تلفن بانک و ارسال و اعلام اطلاعات تعریف شده.
- ایجاد امکان استفاده از Internet Banking جهت انجام امور مشتریان از طریق رایانه شخصی.

((منتظر خدمات نوین ما باشید))

نرخ سود سپرده ها

۱۳ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
۱۴ درصد	سرمایه گذاری کوتاه مدت ویژه (۶ ماهه)	به منظور جذب منابع مردمی در جهت
۲۰ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (یک ساله)	ارائه خدمات بانکی نسبت به پرداخت سود
۲۰/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (دو ساله)	به سپرده گذاران به صورت علی الحساب
۲۱ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (سه ساله)	و نهایتاً اعطای سود قطعی در پایان هر
۲۱/۵ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (چهار ساله)	سال مالی اقدام مینماید.
۲۲ درصد	سرمایه گذاری بلند مدت (پنج ساله)	تعاونی اعتبار ثامن الائمه عليه السلام
		در راستای اهداف نظام بانکداری اسلامی
		پرداخت سود قطعی به سپرده گذاران را
		پس از تصویب صورتهای مالی پرداخت می نماید.

سود علی الحساب سپرده های فوق بطور روز شمار پرداخت میگردد.

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام با بیش از ۳۰۰ شعبه در سراسر کشور آماده ارائه خدمات نوین مالی و اعتباری به هموطنان عزیز می باشد

تعاونی اعتبار ٹامن الائمه عليه السلام



تعمیر و احداث سمانتا



دفتر مرکزی: تهران - خیابان گاندی - خیابان پانزدهم تلفن: ۱۹-۱۸-۸۸۵۰۰۱۸ - ۸۸۸۲۰۷۲ فاکس: ۸۷۹۳۳۹۳

web: www.samantaavoni.ir

Email: info@samantaavoni.ir



افتخار ما این است که در ارائه خدمات قرض الحسنه اولین هستیم

بخشی از خدمات مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان در یک نگاه

- ✓ **مدت بازپرداخت:** با توجه به توانایی مشتری، مؤسسه ضمن اعطای اعتبار تا حداکثر ۱۰۰٪ آورده سپرده گذار وام را به مدت ۱۰ تا ۱۲ سال بازپرداخت می کند.
- ✓ **سقف وام:** سقف وام قرض الحسنه ویژه؛ پرداخت تسهیلات به افراد در قالب عقود اسلامی تا سقف ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه میلیارد ریال) با توجه به میزان و مدت سپرده گذاری.
- ✓ **طرح تقسیم بهای کالا و خدمات؛** طرحی نوین و انحصاری در راستای رفع مشکلات فروش اقساطی تولیدکنندگان کالا و خدمات.
- ✓ **پرداخت حقوق کارکنان:** این سیستم قابلیت دارد با بکارگیری فن آوریهای روز به سهولت پرداخت حقوق کارکنان را عملیاتی نماید، تا کار فرمایان بتوانند به سایر امور مهم دیگر خود رسیدگی نمایند.
- ✓ **طرح تجلیل از محسنین:** از عزیزان نیکوکاری که بدون هیچ توقعی در جهت تقویت سنت قرض الحسنه در سطح جامعه اسلامی تلاش می کنند به نحو شایسته ای از جمله اعزام به سفرهای معنوی حج عمره، سوریه، کربلا، و..... تجلیل می گردد.
- ✓ **حق عضویت بسیج:** با واریز حق عضویت ماهانه توسط سلاحشور ان بسیجی به میزان سه برابر موجودی وام قرض الحسنه پرداخت می گردد.
- ✓ **دائم پرداز بسیج (شعبه شبانه روزی):** دریافت و پرداخت وجوه بدون هیچ محدودیت زمانی، حتی در ایام تعطیل.
- ✓ **سیستم حوالجات:** انتقال وجوه مشتریان از طریق انواع حواله ها با کمترین هزینه در کوتاهترین زمان ممکن به تمام نقاط کشور.
- ✓ **سیستم مهاجر:** امکان برداشت وجه از هر یک از حسابها توسط مشتریان در هر یک از شعب سراسر کشور.

و...

مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان بزرگترین و گسترده ترین شبکه

قرض الحسنه در سراسر کشور

خیابان پاسداران خیابان شهید توحیدی ساختمان شهید توحیدی

اداره کل بسیج کشور

بازرس قانونی

شورای عالی انجمن های ایران از انجمن حسابداری ایران انتخاب شد. شورای عالی انجمن های ایران که در پایان سال ۸۳ از بین ۱۵۸ انجمن فعال در کشور تعداد ۳۴ انجمن برتر را به عنوان عضو پیوسته خود معرفی کرد، در مجمع عمومی در تاریخ ۲۵ تیر ۸۴ اعضای هیئت مدیره و بازرس شورا با رای گیری انتخاب شدند. و آقایان جواد اژه‌ای از انجمن روانشناسی، مهدی بهزاد از انجمن ریاضی، علی اسلامی پناه از انجمن حقوق، عبدالرزاق کعبی نژاد از انجمن انرژی و خانم نسرین مصفا از انجمن سازمان ملل متحد به عنوان اعضای هیئت مدیره و آقای ناصر پرتوی از انجمن حسابداری ایران به عنوان بازرس اصلی شورای عالی انجمن های ایران انتخاب شدند. گفتنی است اعضای هیئت مدیره و بازرس به صورت افتخاری فعالیت می کنند.

اولین همایش هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری برگزار شد

اولین همایش هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری با حضور اکثر شرکاء مؤسسات حسابرسی معتمد بورس و برخی از مدیران عامل شرکت های کارگزاری و سایر حسابداران و حسابرسان برجسته کشور در مرداد سال ۸۴ برگزار شد. نکته قابل توجه این بود که کلیه مدیران رده اول هر ۴ ارگان حسابداری در همایش حضور داشتند. در این همایش ابتدا استاد مصطفی علی مدد رئیس هیئت به طرح مسئله پرداختند، سپس ناصر پرتوی دبیر هیئت به چگونگی تشکیل و سازماندهی هیئت و ۴ کمیته پرداخت و سپس آقایان منصور شمس احمدی از جامعه حسابداران رسمی ایران، هوشنگ نادریان از سازمان حسابرسی، ابوالقاسم فخاریان از انجمن حسابداران خبره ایران و در خاتمه علی ثقفی از انجمن حسابداری ایران به بیان نظرات خود و ارگان های مذکور پرداختند. سپس جلسه پرسش و پاسخ با حضور عبده تبریزی، عباس هشی، غلامرضا سلامی، خسرو پور معمار، مسعود نیلی اصفهانی و هادی بیدختی آغاز گردید و به مدت ۱/۵ ساعت پاسخگوی سوالات حاضرین در جلسه بودند. اکثر حاضرین در همایش که اکثریت شرکاء مؤسسات حسابرسی معتمد بورس بودند، از تشکیل هیئت استقبال کردند ولی در مورد رتبه بندی مؤسسات حسابرسی نظرات متفاوتی وجود داشت. هیئت همکاری بورس و حرفه حسابداری دارای ۴ کمیته تخصصی و حرفه‌ای و علمی می باشد که اعضای ۴ کمیته از ۴ ارگان حسابداری کشور به ترتیب از سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران، انجمن حسابداری ایران و انجمن حسابداران خبره انتخاب شدند که مشروح وظایف هیئت همکاری و ۴ کمیته در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مجمع عمومی سالانه انجمن برگزار شد

رساند. وی همچنین رئوس کلی صورت‌های مالی را قرائت کرد. هشی صورت‌های مالی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران را با ارائه گزارشی مقبول استاندارد، گواهی کرد. آن‌گاه اعضاء نیز به اتفاق آراء صورت‌های مالی ۱۳۸۳ انجمن را تصویب کردند.

تصمیمات مجمع

طبق دستور جلسه، مهم‌ترین تصمیمات مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ شامل تصویب صورت‌های مالی، انتخاب مدیر مسئول مجله دانش و پژوهش حسابداری، تعیین حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته، انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس قانونی بود. مجمع پس از تصویب صورت‌های مالی سالانه ابتدا به اتفاق آراء دکتر علی ثقفی را به عنوان مدیر مسئول مجله دانش و پژوهش حسابداری برگزید و بدین ترتیب دکتر علی ثقفی، مؤسس مجله دانش و پژوهش حسابداری در مقام مدیر مسئولی ابقاء شد.

سپس تعیین حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته و اعضاء حقوقی در دستور کار قرار گرفت و مجمع با اتفاق آراء به این نتیجه رسید که افزایش حق عضویت‌ها می‌تواند بخشی از منابع مالی مورد نیاز را در اختیار انجمن قرار دهد. در ادامه مقرر شد حق عضویت اعضاء پیوسته و وابسته ۳۰۰۰۰۰ ریال، حق عضویت مؤسسات حسابرسی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و حق عضویت سایر اعضاء حقوقی (شرکت‌ها و مؤسسات غیرحسابرسی) ۱۵۰۰۰۰۰ ریال باشد. افزون بر این مقرر شد که حق عضویت‌ها از آغاز سال ۱۳۸۵ اعمال گردد.

نهایتاً رأی‌گیری کتبی برای انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرس قانونی به عمل آمد. گفتنی است که برگه‌های رأی‌گیری پیش از آغاز جلسه به همراه صورت‌های مالی و اولین شماره مجله دانش و پژوهش حسابداری در اختیار حضار قرار گرفته بود. سپس آراء توسط هیئت رئیسه جلسه و زیر نظر نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شمارش شد. اعضاء اصلی هیئت مدیره انجمن حسابداری ایران بر حسب بالاترین آرای مأخوذه به ترتیب

مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران در ۲۴ تیر ۱۳۸۴ با گردهمایی بیش از ۲۰۰ عضو پیوسته در سالن آمفی تئاتر دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد. در ادامه گزارشی کوتاه از این مجمع را با هم می‌خوانیم.

مراسم افتتاحیه

مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ انجمن حسابداری ایران رأس ساعت ۱۶ روز ۲۴ تیر ۱۳۸۴ با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم آغاز شد. سپس دکتر علی ثقفی، بنیانگذار و رئیس هیئت مدیره انجمن در مقام سخنران افتتاحیه گزارشی را از فعالیت‌های سال ۱۳۸۳ انجمن به حضار ارائه کرد. وی در سخنانش ضمن اشاره به آخرین دست‌آوردهای انجمن گفت: «با این که انجمن ما عمر کوتاهی دارد، اما توانسته است به یکی از بزرگ‌ترین انجمن‌های علمی ایران تبدیل شود.»

گفتنی است که ناصر پرتوی «دبیر کل انجمن»، به دلیل آن که خود را برای عضویت در هیئت مدیره کاندید کرده بود، از ارائه سخنرانی در مجمع ۱۳۸۳ خودداری کرد. با وجود این در پایان مجمع، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری گفت و گویی را با وی ترتیب داده است که خلاصه آن در انتهای این گزارش خواهد آمد.

انتخابات اعضاء هیئت رئیسه

پس از خاتمه سخنان دکتر علی ثقفی، مجمع برای انتخاب اعضاء هیئت رئیسه وارد شور شد. در نتیجه نجمی هاشمی به عنوان رئیس مجمع، محمدرضا نیکبخت و مهری فرخی به عنوان نظار مجمع و فرزانه نوایی به عنوان منشی مجمع برگزیده شدند. بدین ترتیب مجمع آماده استماع گزارش بازرس قانونی و تصمیم‌گیری درباره دستور جلسه شد.

گزارش بازرس قانونی

سپس عباس هشی، بازرس قانونی انجمن، گزارش حسابرسی صورت‌های مالی سال ۱۳۸۳ را به سمع حضار

به گروه، ارگان یا دانشگاه خاصی نیست و نخواهد بود، بلکه به حسابداری ایران تعلق دارد.» وی همچنین افزود: «بافت اعضای هیئت مدیره قبلی و جدید بر این موضوع صحنه می گذارد.»

دبیرکل انجمن، هم چنین اعلام کرد امیدوارم تا پایان سال ۱۳۸۴ مقدمات حضور انجمن در عرصه های علمی و تخصصی حسابداری و نیز تعامل با نهادهای اقتصادی، صنعتی، دولتی و سازمان های غیردولتی فراهم شود. بر این اساس انجمن قادر خواهد بود به مدد توانایی علمی و عملی اعضای محترم خود که همگی در رده اول حسابداری و حسابرسی کشور انجام وظیفه می کنند، حضوری مؤثرتر در این عرصه ها را تجربه کند و امیدواریم که با کمک اعضاء بتوانیم گام های مؤثرتر و بزرگ تری برداریم.

وی در خاتمه گفت وظیفه خود می دانم از اعضائی که به بنده رای اعتماد دادند، سپاسگزاری نمایم و بی تردید این تعداد آراء و وظیفه بنده را بیش از پیش سنگین خواهد کرد.

ناصر پرتوی، ویدا مجتهدزاده، نقی بهرامفر، غلامحسین اسدی و محمد نمازی به مدت ۲ سال برگزیده شدند. هم چنین محمدعلی دعایی و یحیی حساس یگانه به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره رأی آوردند. عباس هشی نیز به عنوان بازرس اصلی انجمن و سیدمحمدسعید خلیلی به عنوان بازرس علی البدل برای دو سال انتخاب شدند. در خاتمه، مجمع عمومی عادی سال ۱۳۸۳ با همان نظم و ترتیبی که آغاز شده بود، در ساعت ۲۰ به کار خود پایان داد.

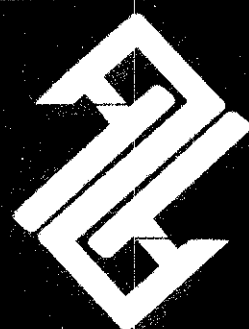
گفت و گو با دبیرکل

دانش و پژوهش حسابداری پس از پایان مجمع گفت و گویی کوتاه را با ناصر پرتوی دبیر کل و عضو جدید هیئت مدیره انجمن حسابداری ایران ترتیب داد که گزیده هایی از آن در ادامه آمده است.

در این گفت و گو پرتوی اظهار کرد: «همان طور که قبلاً نیز بارها اعلام کردیم، انجمن حسابداری ایران متعلق

دومین همایش ملی انجمن برگزار شد

دومین همایش ملی انجمن حسابداری ایران، همانند سال گذشته با عنوان حسابداری و صنعت در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۸۴ در سالن اصلی مرکز همایش های رازی برگزار شد. در این همایش بیش از ۱۰۰۰ نفر که ۳۰۰ نفر از مدیران عامل یا معاونین شرکت های بزرگ، بانک ها، بیمه ها، ارگان ها و ۴۰۰ نفر از حسابداران و یا حسابرسان رده اول کشور و ۱۵۰ نفر از شرکت کنندگان در همایش تصمیم دیکسابان وزارتخانه ها یا سازمان های دولتی از سراسر کشور و ۱۰۰ نفر از مدیران و ارکان سازمان حسابرسی، بارز این همایش بود. جامعه حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خبره ایران و انجمن حسابداری ایران و بالاخره بیش از ۵۰ نفر از دانشجویان ممتاز کارشناسی ارشد و دکتری حضور داشتند. اکثر مثال زدنی است.



استادان، متخصصین، حسابداران، حسابرسان، پژوهشگران
رشته حسابداری و رشته های مرتبط
چنانچه تمایل به ارائه مقاله یا یادداشت در زمینه های
حسابداری، حسابرسی و بازار سرمایه در فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری
دارند، می توانند نوشتار خود را حداکثر در ۱۲ صفحه A4 تایپ شده یا
با خط خوانا همراه با CD به انجمن ارسال کنند.

سرمایه گذاری اجرا شده، اما برخوردار از ارزش فعلی خالص منفی است.

طرح نمونه

خلاصه‌ای از مفاهیم مطرح شده در بخش‌های قبل در قالب اعداد و ارقام جدول ۱ ارائه شده است؛ فرض شده است که سود حسابداری مبنای اصلی جبران خدمات کارگزار است و کارگزار در حال بررسی و ارزیابی نوعی طرح سرمایه گذاری در دارایی بلند مدت است که بهای اولیه آن ۱۰۰ میلیون ریال و عمر مفیدش ۵ سال است. افزون بر این، ارزش باقیمانده دارایی پس از تحصیل و به کارگیری معادل صفر است.

نرخ تنزیل در حد صفر درصد در نظر گرفته شده است و افق زمانی کارگزاری نیز ۳ سال است. در بخش اول جدول فرض می‌شود که کارگزار دارای اطلاعات شخصی از جریان‌های نقدی خالص مورد انتظار سالانه از محل سرمایه گذاری در دارایی است. اطلاعات شخصی وی در این خصوص گویای آن است که بازده نقدی خالص سالانه دارایی ۲۵ میلیون ریال است و از این رو، ارزش فعلی خالص طرح

سرمایه گذاری اساساً مثبت است. چنان چه برای محاسبه سود حسابداری، کل بهای اولیه دارایی به دلیل ماهیت خاصش بی درنگ هزینه شود (خط مشی ۱) کارگزار به طور حتم از اجرای طرح سرمایه گذاری خودداری خواهد کرد؛ زیرا سود حسابداری تجمعی مورد انتظار تا پایان افق زمانی کارگزاری (۳ سال) برابر با ۲۵ میلیون ریال خواهد بود و پیامد چنین وضعیتی کاهش سطح سرمایه گذاری‌های مساعد در بنگاه اقتصادی است. از سوی دیگر، چنان چه سود حسابداری با نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) یا از طریق مستهلاک کردن دارایی به روش خط مستقیم در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) محاسبه شود، کارگزار به طور قطع اجرای طرح سرمایه گذاری را خواهد پذیرفت؛ زیرا

سود حسابداری تجمعی در سال سوم تحت هر دو روش مثبت می‌باشد.

در بخش دوم جدول، تمام داده‌های پیش گفته به استثنای اطلاعات شخصی کارگزار از جریان‌های نقدی مورد انتظار، ثابت در نظر گرفته شده است. برآوردهای شخصی کارگزار نشان می‌دهد که جریان‌های نقدی مورد انتظار سالانه از محل اجرای طرح سرمایه گذاری معادل ۱۵ میلیون ریال است؛ در چنین شرایطی، ارزش فعلی خالص طرح منفی خواهد بود. گزینش رویکرد مبتنی بر حذف مستقیم بهای اولیه دارایی و شناخت بی درنگ آن به عنوان هزینه برای محاسبه سود حسابداری در اولین دوره (خط مشی ۱) یا اتکا بر رویکرد مبتنی بر مستهلاک کردن بهای دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) موجب تصمیم‌گیری صحیح در راستای رد طرح سرمایه گذاری می‌شود؛ در حالی

که اتکا بر روش مبتنی بر نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) سبب می‌شود تا یک طرح سرمایه گذاری زیان‌آور پذیرفته شود. تحلیل‌های بخش‌های اول و دوم جدول آشکارا نشان می‌دهد که حذف مستقیم بهای دارایی و شناخت بی درنگ آن به عنوان هزینه در دوره اول می‌تواند به رد طرح‌های سرمایه گذاری سودآور بینجامد و، نادیده گرفتن استهلاک در محاسبات سود حسابداری می‌تواند به پذیرش طرح‌های زیان‌آور منجر گردد. مطالعه دقیق داده‌هایی که در این دو بخش ارائه گردیده است به وضوح گویای آن است که رویکرد مبتنی بر مستهلاک کردن دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های منطقی از سوی کارگزار می‌باشد؛ تصمیم‌هایی که در نهایت به ارزش‌آفرینی در کل بنگاه اقتصادی می‌انجامد.

با این وصف، اتکا بر استهلاک حسابداری بعضاً به گزینش سیاست‌های بیشینه‌کننده ارزش بنگاه اقتصادی نمی‌انجامد. در بخش سوم فرض شده است که بازده نقدی طرح سرمایه گذاری پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری معادل

اتکا بر

استهلاک حسابداری

بعضاً به گزینش

سیاست‌های بیشینه‌کننده

ارزش بنگاه اقتصادی

نمی‌انجامد

به تصمیم‌هایی نمی‌انجامد که عامل بیشینه‌سازی ارزش بنگاه اقتصادی است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز عنوان شد، هیچ‌گاه نمی‌توان مدعی شد که اتکا به استهلاک حسابداری و استفاده از آن در محاسبات سود حسابداری، همه دشواری‌های رابطه کارگزاری در زمینه سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت را حل و فصل می‌نماید. در واقع، در شرایطی که ناقربینگی اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی آینده پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری (H) بسیار شدید باشد، استفاده از روش‌های شتاب‌دار استهلاک شاید گزینه‌ای منطقی‌تر محسوب شود. از این رو، چنان‌چه کارگزار از افزایش‌دهنده بودن روند جریان‌های نقدی در طول عمر مفید دارایی آگاهی داشته باشد، احتمال استفاده از طرح‌های جبران خدمات مدیران بر مبنای استهلاک کاهش می‌یابد. در حقیقت، در صورتی که کارگزار انتظار داشته باشد طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای عمر مفید طولانی است و جریان‌های نقدی آینده نیز تابع روندی افزایشی است، وی به استخدام کارگزاران جوان‌تر و استفاده از نوعی طرح‌های جبران خدمات که عامل گسترش افق زمانی کارگزاری می‌شود، گرایش خواهد داشت.

مراکز سرمایه‌گذاری

یکی از اساسی‌ترین پیش‌فرض‌های مباحث بخش‌های قبل، وجود همبستگی میان سود حسابداری و جبران خدمات مدیران می‌باشد. به عبارت دیگر، کارکردها و فعالیت‌های کارگزاران در چارچوب تلقی آنها به‌عنوان نوعی مرکز سود، ارزیابی و تحلیل شد. حال، فرض می‌شود که کارگزار و کارگزار در خصوص ایجاد یک مرکز سرمایه‌گذاری^۶ توافق می‌کنند؛ توافقی که به خودی خود موجب دگرگونی و ایجاد تغییر در تعهدات کارگزار می‌شود. از جمله این تغییرات می‌توان به

صفر است و از این رو، کارگزار از زیان‌آور بودن طرح آگاهی کامل دارد. در این حالت، محاسبه سود حسابداری از طریق نادیده گرفتن استهلاک (خط مشی ۲) یا مستهلک کردن بهای اولیه دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش (خط مشی ۳) سبب می‌شود تا کارگزار به رغم زیان‌آور بودن طرح سرمایه‌گذاری، با اجرای آن مخالفت نکند. در وضعیت مورد بررسی، یگانه راهکاری که به بیشینه‌سازی ارزش بنگاه اقتصادی می‌انجامد حذف مستقیم کل بهای اولیه دارایی در دوره تحصیل آن (خط مشی ۱) می‌باشد. گفتنی است که در خصوص نمونه مورد بررسی در بخش سوم، استفاده از روش خط مستقیم برای مستهلک کردن دارایی نوعی دشواری را از بابت بیش سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد؛ حال آن‌که به‌کارگیری روش مانده‌نزولی با نرخ مضاعف برای استهلاک سبب می‌شود تا کارگزار به درستی با اجرای طرح سرمایه‌گذاری مخالفت ورزد.

در بخش چهارم از نمونه مورد بررسی، ارزش فعلی خالص طرح سرمایه‌گذاری مثبت است؛ اما گزینش رویکرد مبتنی بر حذف مستقیم بهای دارایی (خط مشی ۱) یا اتکا بر رویکرد مبتنی بر مستهلک کردن بهای دارایی در طول سال‌های عمر مفید (خط مشی ۳) در راستای محاسبه سود حسابداری موجب می‌گردد تا کارگزار با اجرای طرح سرمایه‌گذاری مخالفت کند. در این حالت، جریان‌های نقدی طرح سرمایه‌گذاری در دوره‌های پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری محقق می‌شود. بنابراین کارگزار تنها در صورتی با اجرای طرح سرمایه‌گذاری موافقت خواهد کرد که محاسبات مربوط به سود حسابداری در برگیرنده استهلاک دارایی نباشد.^۷ بر این اساس و با توجه به تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در بخش‌های سوم و چهارم می‌توان ادعا کرد که مستهلک کردن دارایی در طول سال‌های عمر مفیدش بعضاً

اتکا به استهلاک حسابداری
در مقایسه با گزینش
رویکرد مبتنی بر استهلاک اقتصادی
سبب می‌شود تا
احتمال بی‌توجهی به
طرح‌های سرمایه‌گذاری
دارای ارزش فعلی خاص مثبت
کاهش یابد

جدول ۱- نمونه‌ای در ارتباط با مقایسه انگیزه‌های سرمایه گذاری در شرایط اتخاذ خط مشی‌های متفاوت در مورد استهلاک

بهای سرمایه گذاری	۱۰۰ میلیون ریال	افق زمانی کارگزاری	۳ سال
ارزش باقیمانده	صفر	روش استهلاک	خط مستقیم
عمر مفید	۵ سال	ارزش بازار دارایی پس از تحصیل	صفر

بخش اول - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص مثبت است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۲۵ میلیون ریال برای ۵ سال می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:					
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش خط مستقیم)					
سال	اطلاعات شخصی استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار	
	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی		
۱	۱۰۰	(۷۵)	۲۵	۲۵	۲۰	۵	۵	۲۵	۱
۲	۰	(۵۰)	۲۵	۵۰	۲۰	۵	۱۰	۲۵	۲
۳	۰	(۲۵)	۲۵	۷۵	۲۰	۵	۱۵	۲۵	۳
۴	۰	۲۵	۰	۱۰۰	۲۰	۵	۲۰	۲۵	۴
۵	۰	۲۵	۲۵	۱۲۵	۲۰	۵	۲۵	۲۵	۵

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
نوع قضاوت
رد طرح
سرمایه گذاری کم تر از نیاز
پذیرش طرح
صحيح
پذیرش طرح
صحيح

بخش دوم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخص کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۱۵ میلیون ریال برای ۵ سال می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:					
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش خط مستقیم)					
سال	اطلاعات شخصی استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار	
	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی	تجمعی		
۱	۱۰۰	(۸۵)	۱۵	۱۵	۲۰	۵	۵	۱۵	۱
۲	۰	(۷۰)	۱۵	۳۰	۲۰	۵	۱۰	۱۵	۲
۳	۰	(۵۵)	۱۵	۴۵	۲۰	۵	۱۵	۱۵	۳
۴	۰	(۴۰)	۱۵	۶۰	۲۰	۵	۲۰	۱۵	۴
۵	۰	(۲۵)	۱۵	۷۵	۲۰	۵	۲۵	۱۵	۵

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار
نوع قضاوت
رد طرح
صحيح
پذیرش طرح
سرمایه گذاری بیش تر از نیاز
رد طرح
صحيح
پذیرش طرح
صحيح

بخش سوم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقدی خالص در حد ۲۵ میلیون ریال در سه دوره اول می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

خط مشی ۱:		خط مشی ۲:		خط مشی ۳:					
(حذف مستقیم بهای دارایی در مقطع تحصیل)		(نادیده گرفتن استهلاک)		(استهلاک به روش مستقیم)					

سال	اطلاعات شخصی	استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار
۱	۱۰۰	(۷۵)	۲۵	۲۵	۲۵	۲۰	۵	۵	۲۵
۲	۰	(۵۰)	۲۵	۲۵	۲۵	۲۰	۵	۱۰	۲۵
۳	۰	(۲۵)	۲۵	۲۵	۲۵	۲۰	۵	۱۵	۲۵
۴	۰	(۲۵)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۵)	۰
۵	۰	(۲۵)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۲۵)	۰

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار	رد طرح صحیح	پذیرش طرح سرمایه گذاری بیش تر از نیاز	پذیرش طرح سرمایه گذاری بیش تر از نیاز
----------------------------------	-------------	---------------------------------------	---------------------------------------

بخش چهارم - سرمایه گذاری دارای ارزش فعلی خالص منفی است و اطلاعات شخصی کارگزار مؤید وجود بازده نقد خالص در حد ۵۰ میلیون ریال در سه دوره پایانی می باشد. (ارقام به میلیون ریال)

سال	اطلاعات شخصی	استهلاک	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	سود حسابداری	کارگزار
۱	۱۰۰	(۱۰۰)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۲۰)	۰
۲	۰	(۱۰۰)	۰	۰	۰	۲۰	(۲۰)	(۴۰)	۰
۳	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۵۰	۲۰	۳۰	(۱۰)	۵۰
۴	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۵۰	۲۰	۲۰	۲۰	۵۰
۵	۰	(۵۰)	۵۰	۵۰	۵۰	۲۰	۲۰	۵۰	۵۰

قضاوت در مورد طرح از سوی کارگزار	رد طرح سرمایه گذاری کم تر از نیاز	پذیرش طرح صحیح	رد طرح سرمایه گذاری کم تر از نیاز
----------------------------------	-----------------------------------	----------------	-----------------------------------

مبانی ارزیابی و قضاوت در مورد عملکرد کارگزار اشاره کرد. شاید سود باقیمانده^{۲۷} یا معیارهای دیگری مانند ارزش افزوده اقتصادی^{۲۸} مناسب ترین مبنا برای ارزیابی فعالیت های یک مرکز سرمایه گذاری باشد^{۲۹}. در هر صورت، در ادامه مباحث مربوط به تلقی کارکرد های کارگزار به عنوان مرکز سرمایه گذاری، پایه اصلی ارزیابی فعالیت های صورت گرفته، حاصل جمع دو هزینه به هم وابسته به شرح زیر معرفی می شود.

- هزینه استهلاک هر دوره (D_t) که بر اساس قاعده مستهلک کردن کل بهای دارایی در طول عمر مفیدش (یعنی تامین قید $\sum_{t=1}^T D_t = I$) محاسبه می شود؛ و
- هزینه سرمایه هر دوره که بر پایه نرخ توافقی یا نرخ بازده (R) نسبت به مانده ابتدای دوره ارزش دفتری خالص دارایی اعمال و محاسبه می شود، یعنی $(BV_{t-1} = I - \sum_{s=1}^{t-1} D_s)$.

بدیهی است که در مقطع سرمایه گذاری در دارایی بلند مدت، ارزش فعلی مجموع این دو هزینه دقیقاً معادل با بهای تحصیل دارایی (I) است؛ و این امر بدون توجه به روش برگزیده محاسبه استهلاک و مستقل از آن برقرار است؛ به بیان بهتر رابطه $\sum_{t=1}^T [(D_t + R \times BV_{t-1})(1+R)^{-t}] = I$ صدق می نماید. بر قراری این موازنه برخاسته از این واقعیت است که هر گونه تغییر در روش استهلاک در هر دوره دارای دو اثر خنثی کننده کاملاً مشابه می باشد؛ نخست آنکه موجب تغییر در ارزش فعلی هزینه استهلاک دوره های آینده می شود؛ دیگر آنکه به دلیل اثر گذاری استهلاک بر ارزش دفتری دارایی، سبب تغییر در ارزش فعلی هزینه سرمایه دوره های آینده می گردد.

به تعهدات مربوط به حصول جریان های نقدی پیش بینی شده در طول عمر مفید دارایی های بلندمدت باشد.

تعهدات مبتنی بر استهلاک حسابداری در برابر تعهدات مبتنی بر جریان های نقدی

پیشنهاد تحصیل هر دارایی بلندمدت به طور معمول در قالب طرح سرمایه گذاری از جانب کارگزار به بنگاه اقتصادی ارائه می شود. این پیشنهادها در بیش تر موارد نوعی پیش بینی یا تعهد در مورد جریان های نقدی قابل حصول از طریق دارایی بلندمدت موضوع طرح سرمایه گذاری را در بر می گیرد. بنابراین، پرسشی در خصوص کارایی فرایند تعهد آفرینی از طریق اتکا به جریان نقدی تعهد شده، مطرح است؛ در پاسخ می توان استدلال کرد که تعهد آفرینی بر مبنای استهلاک حسابداری بستر لازم را برای نیل به اطلاعاتی فراهم می آورد که از عینیت و اتکاپذیری بیش تری برخوردارند و در نتیجه امکان دست کاری و تحریف آن ها از سوی کارگزار بسیار اندک می باشد.

فرض کنید که جبران خدمات کارگزار بر پایه تفاوت میان جریان های نقدی واقعی و تعهد شده، صورت گیرد. چنان چه پیش بینی ها و تعهدات کارگزار در زمینه دست یابی به جریان های نقدی آینده کاملاً بی طرفانه باشد، آن گاه مبالغ مورد انتظار در ارتباط با جبران خدمات کارگزار در حد صفر خواهد بود. اما کارگزاران از انگیزه لازم برای کم نمایی جریان های نقدی تعهد شده در سال های اول و بیش نمایی

آن در دوره های پس از خاتمه افق زمانی کارگزاری شان برخوردارند. استفاده از نوعی نظام تعهد آفرینی بر مبنای اطلاعات حسابداری مستلزم اتکا به اطلاعاتی است که عینیت بیشتری (اطلاعات مربوط به نرخ بازده توافقی، بهای تاریخی دارایی و عمر مفید آن) دارند. بنابراین ارزیابی عملکرد کارگزار بر مبنای تفاوت میان جریان های نقد واقعی و نوعی پایه قراردادی هدف که برخاسته از استهلاک حسابداری

در هر حال و به رغم بی اثر بودن نوع روش استهلاک بر حاصل جمع ارزش فعلی هزینه استهلاک و هزینه سرمایه در طول عمر مفید دارایی، کوتاه تر بودن افق زمانی کارگزاری در مقایسه با عمر مفید دارایی سبب می شود تا خط مشی برگزیده برای استهلاک بر حاصل جمع ارزش فعلی دو هزینه یاد شده اثر بگذارد؛ بدین ترتیب، دوره زمانی استهلاک بر تعهدات کارگزاران برای ایجاد جریان های نقدی آینده اثر می گذارد. در همین ارتباط، استفاده از روش خط مستقیم برای مستهلک کردن دارایی در طول (L) دوره زمانی سبب ایجاد تعهدی مبنی بر دست یابی به جریان های نقد اضافی در دوره (t) [که $(1 \leq t \leq L)$] دست کم به اندازه $(CF \geq I/L + R [I (L-T+1)/L])$ می شود. حاصل جمع جریان های نقد اضافی مورد اشاره در طول (L) دوره زمانی معرف کل تعهدات کارگزار در خصوص ایجاد جریان های نقدی به اندازه $I [1+R (L+1)/2]$ است. این در حالی است که به کارگیری روش خط مستقیم برای استهلاک دارایی موجب می گردد تا تعهدات کارگزاران فعال در قالب مرکز سرمایه گذاری در زمینه حصول جریان های نقدی، به تدریج و در طول زمان از روندی نزولی برخوردار باشد؛ زیرا ارزش دفتری دارایی $[I (L-T+1)/L]$ همواره در حال کاهش است.

جالب توجه آن که گزینش و به کارگیری روش های شتاب دار استهلاک، سیر نزولی تعهدات کارگزاران را به شدت افزایش می دهند.

نظام حسابداری با ثبت و نگهداری اطلاعات ارزش دفتری تمام مخارج

سرمایه ای، زمینه لازم را برای ردیابی تمام تعهدات مربوط به ایجاد جریان های نقدی فراهم می کند و در عین حال، از طریق محاسبه و ارزیابی بازده دارایی ها در مراکز سرمایه گذاری، امکان کنترل دستاوردهای واقعی را به وجود می آورد. بر این اساس، جبران خدمات مدیران بر مبنای تفاوت میان سطح بازده بودجه ای و واقعی دارایی ها موجب می شود تا پرداخت های صورت گرفته به مدیران متضمن پایبندی آن ها

روشگاه علوم انسانی و مطالعات رفتاری
تجدد آفرینی بر مبنای
اطلاعات حسابداری

زمینه ساز اتکا بر اطلاعات
بر خوردار از عینیت بیشتر می باشد

بناگاه های اقتصادی همواره از احتمال بروز رفتارهای فرصت طلبانه کارگزاران بیم و هراس دارند؛ این بیم و نگرانی به ویژه در مورد پیشنهادهای تحصیل دارایی های بلندمدت مطرح است. کارگزاران بناگاه های اقتصادی برای محدود ساختن هرگونه فرصت طلبی و سودجویی احتمالی، پیش از تایید پیشنهاد سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت جدید، کارگزاران را مکلف می نمایند تا از سود حسابداری هر دوره، هزینه استهلاک مربوط به دارایی تحصیل شده را کسر کنند.

قراردادهای خرید یا پرداخت به مثابه نوعی سازوکار قیمتی پیش روپدای هستند که در صورت خاص بودن ماهیت دارایی بلندمدت، موجب تشویق دو طرف قرارداد به بیشینه سازی ارزش مورد انتظار می گردند. بر این اساس، گروهی بر این باورند که ساختار اقتصادی استهلاک حسابداری نیز تا اندازه زیادی مشابه این قراردادها است. به عبارت دیگر، اتکا بر این سازوکار سبب می شود تا کارگزار در هر دوره متعهد به پرداخت مبلغی ثابت (معادل با هزینه استهلاک) باشد؛ و این تعهد بدون توجه به میزان بهره گیری از ظرفیت دارایی بلندمدت تحصیل شده صورت می گیرد.

ساندر بر این باور است که استفاده از سازوکار استهلاک حسابداری برای برقراری موازنه مطلوب میان اقدامات کارگزاران در راستای استفاده کم تر از نیاز از دارایی ها و بیش سرمایه گذاری در دارایی ها تلقی می شود.^{۳۳} با این حال، در صورت وجود ظرفیت مازاد و بی استفاده در بناگاه اقتصادی، نادیده گرفتن استهلاک سبب می گردد تا کارگزاران جانشین به منظور حفظ سطح ظرفیت های بی استفاده، اقدام به بیش سرمایه گذاری نکنند؛ تا از این طریق زمینه حذف و تعدیل هزینه استهلاک دوره های آینده به وجود آید.^{۳۴}

بسط نظریه ها

در این بخش، با در نظر گرفتن بنیادهای نظری طرح شده

است، می تواند توانایی کارگزاران برای تقلب در قراردادهای منعقد شده با بناگاه اقتصادی را به طور قابل ملاحظه ای کاهش دهد.

قراردادهای متضمن خرید یا پرداخت: مصداق بارز کارکرد استهلاک حسابداری

قراردادهای گاز طبیعی یکی از بارزترین مصداق کاربرد مفهوم استهلاک حسابداری محسوب می شوند؛ چرا که این قراردادها متضمن خرید دارایی یا پرداخت وجه آن می باشند. با احداث خط لوله انتقال گاز از میدان استخراج به محل تأسیسات خریدار، خطوط مزبور فاقد هرگونه کاربرد دیگر خواهند بود؛ به بیان دیگر، دارایی مزبور از ماهیت کاملاً خاص برخوردار است و با ایجاد آن، هزینه فرصت اقتصادی منتسب به آن اساساً صفر می باشد.

وجود چنین شرایطی سبب می شود تا پس از احداث خط لوله انتقال گاز، خریدار از انگیزه اقتصادی لازم برای مذاکره با فروشنده و تلاش برای کاهش قیمت قرارداد تا حد هزینه نهایی تولید (پس از کسر بهای احداث

خط لوله انتقال گاز) برخوردار باشد، و این وضعیت را می توان به عنوان یکی از نمونه های آشکار دشواری مربوط به متوقف ساختن اجرای قراردادها تلقی کرد. فروشنده گاز با پیش بینی احتمال بروز این رفتار فرصت طلبانه از جانب خریدار، احداث خط لوله را به انعقاد قرارداد خرید یا پرداخت^{۳۱} موکول می نماید؛ تا احتمال رفتارهای سودجویانه خریدار را محدود کند. در چنین قراردادهایی، خریدار متعهد است صرف نظر از میزان گاز طبیعی خریداری شده، در هر دوره حداقل مبالغی را به عنوان بهای احداث خط لوله انتقال گاز به فروشنده بپردازد. ارزش تنزیل شده حداقل پرداخت های صورت گرفته در هر دوره متضمن بازیافت بهای ایجاد خط لوله انتقال گاز از جانب فروشنده می باشد.^{۳۲} وضعیت مشابهی را نیز می توان در درون بناگاه های اقتصادی جستجو کرد. کارگزاران

پیش بینی های خوش بینانه از سوی کارگزاران در زمینه جریان های نقدی آینده است. این در حالی است که تعدیل بهای تاریخی دارایی های بلند مدت در دوره های پایانی افق زمانی کارگزاری و به ویژه در شرایطی که جبران خدمات کارگزاران پس از خاتمه دوره قرارداد آنها صورت می گیرد، می تواند بستر مساعدی را برای کاهش انگیزه های بیش سرمایه گذاری کارگزاران فراهم کند.

از دیگر ابعاد با اهمیت حسابداری تعدیل بهای تاریخی دارایی ها کاهش انگیزه های کارگزاران برای عدم انجام اقدامات لازم در زمینه تعمیر و نگهداری دارایی ها است. اطلاعات مربوط به ارزش دفتری دارایی ها در حکم تعهد کارگزار برای حفظ ظرفیت مولد دارایی ها است. حال چنانچه کارگزاران در دوره های پیش از خاتمه افق زمانی کارگزاری شان، اقدام شایسته ای را در زمینه تعمیر و نگهداری و حفظ حراست از دارایی ها به عمل نیاورده باشند، کارگزاران جانشین پیش از پذیرش هر گونه تعهد به طور قطع خواهان تعدیل بهای تاریخی دارایی ها خواهند شد؛ تا از این طریق دامنه تعهدات آینده در زمینه بازیافت استهلاک دارایی ها کاهش یابد.

در این شرایط، اگر پاداش کارگزاران و حسن شهرت آینده آنان تابعی از سود گزارش شده (پس از کسر هزینه استهلاک و هزینه کاهش ارزش دفتری دارایی ها) در دوره خاتمه افق زمانی کارگزاری باشد، انگیزه های مربوط به عدم انجام اقدامات لازم در خصوص تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت به شدت کاهش می یابد؛ و در همین حال، یگانه انگیزه کارگزاران جانشین نیز بیشینه سازی میزان کاهش ارزش ثبت شده در دوران فعالیت کارگزاران پیشین می باشد. بنابراین می توان کاهش ارزش دفتری و تعدیل بهای تاریخی دارایی ها را نوعی توافق میان کارگزاران و کارگزاران تلقی کرد.

در زمینه تلقی استهلاک حسابداری به عنوان نوعی ابراز کارآمد برای تعهد آفرینی در کارگزاران، تأثیر برخی دیگر از ابعاد حسابداری مانند کاهش ارزش دفتری دارایی ها، تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت و هزینه یابی کامل بر دشواری های رابطه کارگزاری در زمینه دارایی های بلندمدت بررسی و تحلیل می شود.

کاهش ارزش دفتری دارایی ها، ارزش های دفتری و تعمیر و نگهداری دارایی های بلندمدت

یکی از کارکردهای اصلی نظام حسابداری در ارتباط با سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت ردیابی و ارزیابی ارزش دفتری مستهلک نشده دارایی های مزبور در طول عمر مفیدشان است. علاوه بر این، در شرایطی که شواهدی دال بر کاهش ارزش دفتری دارایی ها وجود دارد، نظام حسابداری بنگاه اقتصادی ناگزیر از حذف تمام یا بخشی از بهای تاریخی دارایی از محل درآمدهای آن است؛ و این امر به طور معمول در صورتی انجام می گیرد که جریان خدمات آینده دارایی به طور قابل ملاحظه ای کم تر از پیش بینی ها و انتظارات اولیه باشد. در حقیقت، چنانچه سطح جریان های نقدی آینده از

پیش بینی های اولیه کم تر باشد و مالک نیز بر این باور باشد که کاهش جریان های نقدی دوره جاری بر محقق نشدن انتظارات مربوط به دوره های آینده دلالت دارد، می تواند بهای تاریخی دارایی های بلندمدت را کاهش دهد. کاهش بهای تاریخی در صورتی که با تعدیل انتظارات مربوط به دوره های آینده همراه باشد سبب می گردد تا در دوره کاهش، هزینه عمده ای از این بابت در محاسبات سود حسابداری گنجانده شود؛ اقدامی که به خودی خود زمینه ساز کاهش مبالغ پرداخت شده برای جبران خدمات کارگزاران است. بنابراین به نظر می رسد که تعدیل بهای تاریخی دارایی های بلند مدت نوعی عامل بازدارنده در فرایند

از دیگر ابعاد با اهمیت مربوط به حسابداری تعدیل بهای تاریخی دارایی ها همانا کاهش انگیزه های کارگزاران برای عدم انجام اقدامات لازم در زمینه تعمیر و نگهداری دارایی ها است

هزینه یابی کامل

هر بنگاه اقتصادی را می توان زنجیره ای از قراردادهای کارگزاری قلمداد کرد. بر این اساس، مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره در جایگاه اصلی ترین کارگزار فعال در عرصه بنگاه اقتصادی، تعهد مشخصی را در برابر صاحبان سهام به عنوان کارگزار اصلی، در زمینه پوشش کل استهلاک حسابداری بنگاه بر عهده دارند؛ و ابزار اصلی برای پاسخ خواهی در این خصوص اطلاعات ایجاد شده در فرایند گزارشگری مالی استهلاک می باشد. افزون بر این، مدیران واحدهای عملیاتی نیز در مقام کارگزار، تعهد معینی را در مقابل مدیران ارشد به عنوان کارگزار، در خصوص پوشش استهلاک واحد عملیاتی خویش به عهده دارند؛ ضمن آن که مدیران هر یک از خطوط تولید نیز در مقام کارگزار، در مقابل مدیران واحدهای عملیاتی مربوط، نسبت به پوشش

استهلاک خط تولید تحت هدایت و رهبری خویش مسئولیت دارند. وجود مشخصه جمع پذیری در اعداد و ارقام مربوط به هزینه استهلاک و ارزش دفتری دارایی ها موجب تسهیل فرایند اعمال نظارت بر قسمت های مختلف بنگاه اقتصادی می شود.^{۳۵} بنابراین می توان استنباط کرد که محاسبه و گزارش استهلاک حسابداری در حکم تفکیک و تجزیه تعهدات منقضی نشده

گذشته و تخصیص آن به مدیران سطوح مختلف بنگاه اقتصادی است. این نگرش سبب می شود تا سطح تفکیک و تجزیه اطلاعات گزارش شده یگانه عامل متمایزکننده حسابداری مالی از حسابداری مدیریت باشد.

حال وضعیتیتی در نظر گرفته می شود که بنگاه اقتصادی دارای نوعی خط تولید به عنوان یک مرکز سود است که از طریق تحصیل و به کارگیری دارایی های بلندمدت خاص، محصول مشخصی را برای چندین قسمت تجاری که به عنوان مراکز سود فعالیت دارند، تهیه و عرضه می نمایند. پس از تحصیل دارایی های بلندمدت از سوی خط تولید، مدیران

قسمت های تجاری قادر خواهند بود تا از طریق متوقف ساختن خرید محصول، مدیران واحد تولید را به کاهش قیمت فروش وادارند؛ تا حدی که قیمت فروش فقط هزینه متغیر تولید را پوشش دهد. پر واضح است که در این وضعیت، نوعی دشواری مشابه آنچه در ارتباط با قراردادهای متضمن خرید یا پرداخت ارائه شد، وجود دارد.

در راستای غلبه بر فرصت طلبی به وجود آمده در این انحصار دو جانبه می توان با تخصیص استهلاک حسابداری بر مبنای ظرفیت بودجه شده به هزینه محصول در قسمت های تجاری و هم چنین پاسخ خواهی از مدیران قسمت های مزبور در زمینه هرگونه انحراف حجم، اقدام بازدارنده لازم را به عمل آورد. در واقع، پاسخ خواهی از قسمت های تجاری در زمینه علل وجود هرگونه ظرفیت بی استفاده موجب می گردد تا انگیزه های مدیران آنها برای حمایت از

گسترش و افزایش ظرفیت بیش تر از نیاز مورد انتظار، به شدت کاهش یابد. در متون حسابداری مدیریت، تسهیم هزینه استهلاک و سایر هزینه های ثابت به هزینه های محصول هزینه یابی کامل^{۳۶} خوانده می شود. چنین استدلال شده است که استفاده از روش هزینه یابی کامل زمینه ساز کاهش بروز رفتارهای فرصت طلبانه مدیران قسمت های تجاری در فرآیند تصمیم گیری برای سرمایه گذاری در دارایی های بلندمدت جدید می باشد. در حقیقت، در چنین شرایطی هر کدام از قسمت های تجاری دارای نوعی قرارداد متضمن خرید یا پرداخت با خط تولید یاد شده خواهند بود.^{۳۷}

از سوی دیگر، عده ای بر این باورند که محاسبه هزینه متوسط تولید بر مبنای ظرفیت عملی یا ظرفیت عادی می تواند در زمینه جلوگیری از بیش نمایی بهای تولید، روش بسیار سودمندی باشد. بسیاری از بنگاه های اقتصادی برای محاسبه نرخ جذب سربار (شامل هزینه استهلاک سالانه)

محاسبه و گزارش
استهلاک حسابداری
در حکم تفکیک و تجزیه
تعهدات منقضی نشده گذشته
و تخصیص آن به مدیران
سطوح مختلف
بنگاه اقتصادی است

و با فرض ثبات سایر عوامل، استفاده از روش خط مستقیم منطقی است.

اما در نبود تعهدات قراردادی، کوتاه‌مدت بودن افق زمانی کارگزاری موجب می‌گردد تا کارگزاران به دلیل وجود فرصت‌های شغلی جاننشین، از انگیزه لازم برای گزینش و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای بازده نقدی بالاتر در سال‌های اولیه برخوردار باشند. در چنین شرایطی، پیامد اصلی استفاده از روش خط مستقیم برای تعهدآفرینی در کارگزاران دست‌یابی کارگزاران اولیه به بخش عمده‌ای از منافع اقتصادی و تحمل قسمت قابل توجه بار مالی طرح از سوی کارگزاران جاننشین در سال‌های بعد می‌باشد؛ سال‌هایی که در آن، سطح جریان‌های نقد به مراتب کم‌تر از هزینه استهلاک تعریف شده در قالب تعهدات قراردادی است. به کارگیری روش‌های شتابدار استهلاک بستر مناسبی را برای حل و فصل این دشواری فراهم می‌کند. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که بهره‌گیری از روش‌های شتابدار استهلاک عمدتاً در محدوده آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی توجیه‌پذیر است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ترفیع شغلی‌شان موجب جابه‌جایی و ارتقای سریع مدیران به سطوح بالاتر سازمانی می‌گردد.

از سوی دیگر، تدوین ساختار بهینه تعهدات مربوط به هزینه استهلاک تابعی از روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت است. برای نمونه، فرض می‌شود که بازده نقد دارایی بلندمدت (پیش از کسر هزینه تعمیر و نگهداری) دارای روندی ثابت در طول عمر مفید آن است؛ اما در همین حال، با افزایش عمر دارایی انتظار می‌رود که مخارج مرتبط با تعمیر و نگهداری آن نیز افزایش یابد. بنابراین خالص جریان‌های نقد (پس از کسر هزینه تعمیر و نگهداری) در طول زمان از روندی نزولی برخوردار خواهد بود.

به جای اتکا بر حجم پیش‌بینی شده یا واقعی تولید، از ظرفیت عملی استفاده می‌کنند. حال اگر تأکید بر به‌کارگیری ظرفیت عملی باشد و در عین حال از تمام ظرفیت عملی نیز استفاده نشود، نرخ جذب سربار ثابت خواهد ماند و سربار جذب نشده (انحراف حجم) نیز به عنوان بخشی از هزینه‌های خطوط تولید تلقی می‌گردد. حقیقت آن است که گزینش رویکرد مبتنی بر قراردادهای خرید یا پرداخت سبب می‌شود تا علاوه بر پاسخ‌خواهی از کارگزاران در مورد سطح ظرفیت مورد استفاده، خدشه‌ای نیز به اعداد و ارقام گزارش شده در مورد بهای تولید وارد نگردد.

ملاحظات اجرایی

گزینش از میان روش‌های استهلاک

تلقی استهلاک حسابداری به عنوان ابزاری کارآمد برای تعهد آفرینی در کارگزاران فعال در بنگاه‌های اقتصادی سبب می‌گردد تا ابزاری سودمند در فرایند انعقاد قراردادها باشد. این نگرش به استهلاک موجب می‌شود تا صرفاً به استهلاک به عنوان سازوکار ارزشیابی نگرسته نشود. صورت‌بندی و تدوین بهینه‌ترین ساختار تعهدات قراردادی به طور حتم مستلزم توجه به عوامل متعددی است که از آن جمله می‌توان به روند جریان‌های نقدی مورد انتظار، پیش‌بینی‌های مربوط به مخارج تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت و مشخصه‌های خاص مدیران مانند افق زمانی کارگزاری آن‌ها در بنگاه اقتصادی اشاره کرد. برای نمونه، چنان‌چه کارگزار انتظار داشته باشد که روند جریان‌های نقدی

بهره‌گیری از روش‌های شتابدار

استهلاک عمدتاً در محدوده آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی توجیه‌پذیر است که سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ترفیع شغلی‌شان موجب جابه‌جایی و

ارتقای سریع مدیران

به سطوح بالاتر سازمانی می‌گردد

شتابدار استهلاک چالش‌های بسیاری را از جهت بازیافت بهای تاریخی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت، در طول افق زمانی کارگزاری در برابر مدیران قرار می‌دهد و از این رو، انگیزه‌های آنان برای اتکا بر این راه برد به منظور حفظ جایگاه خود در بنگاه اقتصادی را کاهش می‌دهد. با تمام این اوصاف، سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران هنوز هم می‌تواند زمینه حفظ جایگاه آنان در بنگاه اقتصادی را فراهم کند؛ اما در هر حال، جبران خدمات مدیران بر پایه اعداد و ارقام مربوط به سود حسابداری پس از کسر استهلاک محاسبه شده بر مبنای روش‌های شتابدار موجب می‌گردد تا انگیزه‌های این گروه تا اندازه‌ای تعدیل شود. در جدول ۲ پاره‌ای از عوامل گوناگونی که به احتمال زیاد، گزینش روش استهلاک در بنگاه اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، ارائه شده است.

در چنین شرایطی، استفاده از روش‌های شتابدار برای محاسبه استهلاک موجب می‌شود تا میان سطح تعهدات در هر دوره و خالص جریان‌های نقد دارایی مطابقت بیش‌تری به وجود آید.

شلايفرو و ویشنی بر این باورند که مدیران از طریق سرمایه‌گذاری‌های دلخواه خویش (سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی که سطح مطلوبیت اقتصادی آن‌ها برای مدیران فعلی در مقایسه با بهترین گزینه‌های موجود، به مراتب بیش‌تر است)، در تلاشند تا به نحوی جایگاه خود در بنگاه اقتصادی استحکام بخشند.^{۳۸} چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، احتمال اخراج و برکناری مدیران را به شدت کاهش می‌دهد و در عین حال، امکان کسب بیش‌ترین منافع از بنگاه اقتصادی را نیز برای آن‌ها به وجود می‌آورد. اما استفاده از روش‌های

جدول ۲- عوامل گوناگون موثر بر گزینش روش استهلاک

روش استهلاک	عوامل اثرگذار برگزینش روش استهلاک
روش خط مستقیم	<ul style="list-style-type: none"> ● یکنواختی جریان‌های نقد سالانه در طول عمر مفید دارایی‌های بلندمدت ● ثابت یا نزولی بودن روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت در طول عمر مفید ● وجود مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری بلندمدت ● وجود فرصت‌های اندک برای انجام سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران
روش‌های شتابدار	<ul style="list-style-type: none"> ● نزولی بودن جریان‌های نقد سالانه در طول عمر مفید دارایی‌های بلندمدت ● صعودی بودن روند مخارج مربوط به تعمیر و نگهداری دارایی‌های بلندمدت در طول عمر مفید ● وجود مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری کوتاه‌مدت ● وجود فرصت‌های بسیار برای انجام سرمایه‌گذاری‌های دلخواه مدیران

کارگزاران (مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره) در زمینه مواردی مانند انواع سرمایه‌گذاری‌های موجود، ساختار رقابتی صنعت و روند کلی و دوره زمانی مربوط به جریان‌های نقد حاصل از سرمایه‌گذاری، آگاهی و شناختی کلی دارند.

علاوه بر این می‌توان پیش‌بینی‌هایی را نیز در زمینه علل گزینش از میان روش‌های استهلاک در سطح کل بنگاه اقتصادی ارائه کرد. کارگزاران و کارگزاران فعال در عرصه بنگاه، هر یک دارای آگاهی‌های تخصصی متفاوتی می‌باشند.

مورد سطح استفاده از دارایی‌های بلندمدت موضوع طرح‌های سرمایه‌گذاری پیشنهادی برخوردار باشند. افزون بر این، چنانچه انحراف حجم رویدادهای پیش‌بینی نشده‌ای باشد که خارج از کنترل کارگزاران است، در این صورت مدیران ارشد می‌توانند از تخصیص این انحرافات به قسمت‌های تجاری صرف‌نظر کنند و در اصطلاح استثنا قائل شوند. از سوی دیگر، کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها نیز به‌طور معمول در شرایطی صورت می‌گیرد که عملکرد واقعی به‌طور مستمر کمتر از ظرفیت عملی است یا آن‌که عملیات تعمیر و نگهداری دارایی از کارایی لازم برای حفظ ظرفیت آن در حد سطوح برنامه‌ریزی شده، برخوردار نباشند. در چنین شرایطی و با فرض آن‌که جبران خدمات کارگزار تابعی از سود حسابداری در آخرین دوره فعالیت وی باشد، کارگزاران از بابت عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری مناسب، متوجه زیان‌های عمده‌ای خواهند شد.

حال، چنین فرض می‌شود که جریان‌های نقد واقعی کم‌تر از هزینه استهلاک حسابداری است؛ به عبارت دیگر، شرایط مقرر در قرارداد کارگزاری از بابت تعهدات مرتبط با پوشش هزینه استهلاک، تأمین نشده است. در این حالت، چنانچه وضعیت طرح شده به صورت مجزا بررسی شود، سازوکارهای حسابداری در بنگاه اقتصادی باید ضمن ثبت کسر جذب سربار، انحراف حجم را به حساب کارگزار منظور کنند. اما در صورتی که وجود ظرفیت‌های مازاد جنبه دائمی داشته و خارج از کنترل مدیران عملیاتی باشد، مناسب‌ترین نحوه عمل حسابداری شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی می‌باشد؛ اقدامی که به نوبه خود زمینه‌ساز جلوگیری از کاهش سود حسابداری کارگزاران است. به بیان واضح‌تر، ارزش دفتری مستهلک نشده دارایی مشمول کاهش قرار

اما برخلاف کارگزاران، هر کدام از کارگزاران فعال در سطح بنگاه اقتصادی، از آگاهی و شناخت دقیقی در مورد هر کدام از سرمایه‌گذاری‌ها و جریان‌های نقد مورد انتظار آن‌ها برخوردارند. بر پایه وجود ناقربینی اطلاعات میان کارگزار و کارگمار می‌توان استدلال کرد که کارگمار در زمینه‌گزینش از میان روش‌های استهلاک و گروه‌بندی دارایی‌ها از نظر عمر مفید به گونه‌ای عمل می‌کند که انگیزه‌های فرصت‌طلبانه کارگزار برای اجتناب از به کارگیری روش‌های شتابدار و طولانی‌تر در نظر گرفتن عمر دارایی‌ها، به شدت محدود گردد. وجود چنین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دقیق و انعطاف‌ناپذیری موجب کاهش هزینه‌های ناشی از اثرگذاری کارگزاران بر کارکردهای بنگاه اقتصادی می‌شود؛ ضمن آن‌که استقرار و به کارگیری رویه‌های مورد اشاره به احتمال زیاد مستلزم تایید و تصویب آنها از جانب هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی به عنوان نوعی ابزار برای کنترل و اعمال نظارت بر فرصت‌طلبی مدیران ارشد است.

کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها، جابه‌جایی مدیران و انحرافات حجم

با توجه به نوع نگرش ارائه شده در زمینه تعهدات قراردادی در نوشتار حاضر، تلقی استهلاک حسابداری به عنوان هزینه ثابت سبب می‌شود تا در شرایطی که تولید واقعی کم‌تر از ظرفیت عملی در بنگاه اقتصادی است، سربار جذب نشده وجود داشته باشد. در این حالت می‌توان استدلال کرد که تخصیص انحرافات حجم سربار به قسمت‌های تجاری موجب می‌گردد تا مدیران قسمت‌های یاد شده از انگیزه لازم برای ارائه پیش‌بینی‌های واقع‌بینانه در

استفاده از استهلاک

به عنوان ساز و کار تعهدآفرین
تنها در شرایطی اثربخش است که
کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها
نادر باشد و در صورت
بیش سرمایه‌گذاری کارگزاران
یا عدم انجام عملیات تعمیر و
نگهداری مناسب دارایی‌ها،
هزینه‌های عمده‌ای را به آن‌ها
تحمیل نماید

اقتصادی به وجود آورد؛ چرا که در شرایط ماهیت دارایی ها، خاص است استفاده از استهلاک اقتصادی موجب می گردد تا کل بهای تاریخی دارایی بلندمدت در اولین دوره به حساب استهلاک منظور شود و این امر در نهایت زمینه ساز رد طرح های سرمایه گذاری سود آور از سوی مدیران برخوردار از افق زمانی کارگزاری کوتاه مدت است.

اگر چه استفاده از استهلاک حسابداری می تواند عاملی برای کاهش دشواری های ناشی از بیش از یک سرمایه گذاری در بنگاه اقتصادی باشد، اما مواردی نیز وجود دارد که به کارگیری آن سبب می شود تا کارگزاران بار د طرح های سرمایه گذاری سودآور، به پذیرش طرح های زیان آور اقدام کنند. بر این اساس می توان مدعی شد که استفاده از استهلاک حسابداری بعضاً به پیشینه سازی ارزش بنگاه اقتصادی نمی انجامد. در حقیقت، مواردی مانند استهلاک حسابداری، بازده مورد انتظار از دارایی ها و سایر ترتیبات نهادی همگی به عنوان گزینه هایی محسوب می شوند که هر بنگاه اقتصادی می تواند از میان آنها ترکیب مطلوبش را برگزیند.

تلقی استهلاک حسابداری به عنوان ابزاری برای تعهد آفرینی در کارگزاران به پیش بینی های متعددی منتهی می شود که نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق است. بدین ترتیب، استفاده از روش خط مستقیم برای استهلاک دارایی های بلندمدت به طور معمول در صورتی منطقی و توجیه پذیر است که روند جریان های نقد (شامل هزینه تعمیر و نگهداری) ناشی از سرمایه گذاری در دارایی در عمر مفیدش نزولی نباشد و افق زمانی مدیران کارگزاری نیز بلندمدت و احتمال استفاده آن ها از طرح های سرمایه گذاری برای استحکام بخشیدن به جایگاه خود در بنگاه اقتصادی نیز بسیار اندک باشد. علاوه بر این، شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی های بلندمدت نیز معمولاً در صورتی انجام می گیرد که عملیات تعمیر و نگهداری موجب حفظ ظرفیت دارایی در حد سطوح برنامه ریزی شده نگردد. در این حالت، منظور کردن کاهش ارزش ثبت شده به حساب کارگزاران در حکم نوعی اقدام تنبیهی برای عدم اجرای عملیات تعمیر و

می گیرد و تعهدات قراردادی در زمینه پوششش هزینه استهلاک نیز بازنگری می شود.

استفاده از استهلاک به عنوان ساز و کار تعهد آفرین تنها در شرایطی اثر بخش است که کاهش ارزش دفتری دارایی ها نادر باشد و در صورت بیش سرمایه گذاری کارگزاران یا عدم انجام عملیات تعمیر و نگهداری مناسب دارایی ها، هزینه های عمده ای را به آن ها تحمیل نماید. یکی از این هزینه ها برکناری کارگزاران است. بر این اساس، می توان چنین نتیجه گرفت که نوعی ارتباط منطقی میان کاهش ارزش دفتری دارایی و جابه جایی مدیران برقرار است. بدین گونه کاهش ارزش دفتری دارایی ها که در بیش تر موارد به عنوان بخشی از عملیات حسابداری و گزارشگری مالی برون سازمانی قلمداد می شود به منزله نوعی ساز و کار حسابداری برای بازنگری در تعهدات قراردادی در درون بنگاه اقتصادی به دلیل دست یابی به اطلاعات جدید است.

خلاصه

در نوشتار حاضر، نظریه ها و دیدگاه هایی درباره ساختار و محتوای مفهوم استهلاک حسابداری و ارزش های دفتری مستهلک نشده ارائه گردید. بر این اساس، استدلال شد که وجود همبستگی میان جبران خدمات مدیران با سود حسابداری (پس از کسر هزینه استهلاک) موجب می شود تا کارگزاران فعال در بنگاه اقتصادی نسبت به پوشش هزینه استهلاک با استفاده از درآمدهای اضافی یا از طریق صرفه جویی در هزینه ها، متعهد شوند. افزون بر این، ارزش های دفتری نیز تعهدات متقاضی نشده کارگزاران محسوب می شوند؛ تعهداتی که به تدریج و باگذر زمان باید ایفا گردند. تسهیم استهلاک حسابداری به قسمت های تحت کنترل و راه بری مدیران سبب می شود تا انگیزه های آنان برای سرمایه گذاری بیش از حد در دارایی های بلندمدت به شدت تعدیل گردد. این در حالی است که تمام فرضیه ها و آرای طرح شده در این نوشتار بر رویکرد اقتصادی مربوط به هزینه بر بودن قراردادها استوار است. اتکا بر بنیادهای منطقی و مفهومی همین رویکرد زمینه ای را برای نقد استهلاک

کارگزاری، به دو مرجع زیر رجوع شود:

1. **Rey ball and Phillip Brown**, "An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers", *Journal of Accounting Research*, vol. 6, No.2 (Autumn 1968), pp.159-178., **Ross L. Watts and Jerrold L. Zimmerman**, *Positive Accounting Theory* (Englewood Cliffs, NJ.: Prentice-Hall International, 1986)
2. Agent.
3. Principal.
4. **Armen A. Alchian**, "Specificity, Specialization and Coalitions", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, vol.140, No. 1 (March 1984), pp. 34-49.
5. **Paul Milgrom and John Roberts**, "Complementarities and Fit: Strategy, Structure, and Organizational Change in Manufacturing", *Journal of Accounting and Economics*, vol.19, No. 2-3 (March-May 1995), pp.179-208
6. Agency Horizon.
7. **Andrei shleifer and Robert W. Vishny**, "Management Entrenchment: The Case of Manager - Specific Investments", *Journal of Financial Economics*, vol. 25, No. 1 (November 1989), pp. 123-139.
8. **Ross L. Watts**, *Accounting Objectives*, Unpublished Working Paper (Rochester, NY.: Graduate school of Business. University of Rochester, 1974)., **Michael c. Jensen and William H. Meckling**, "The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, vol.3, No.4 (October 1976), pp. 305-360
9. **Ross L. Watts and Jerrold L. Zimmerman**. *Positive Accounting Theory* (Englewood Cliffs, NJ: prentice - Hall International, 1986), pp. 347-349.
10. Political. Cost Hypothesis.

۱۲. پاره ای از مطالعات صورت گرفته نیز به بررسی و تحلیل شرایط خاصی مبادرت ورزیده اند که تخصیص هزینه های ظرفیت (شامل استهلاک)، مطلوب و مناسب تلقی شده است. برای کسب اطلاعات بیش تر در این خصوص، به مراجع زیر رجوع شود:

1. **Jerrold L. Zimmerman**, "The Costs and Benefits of Cost Allocations", *The Accounting Review*, vol. LIV, No. 3 (July 1979), pp. 504-521., **Yoon s. Suh**, "Collusion and non - Controllable cost Allocation", *Journal of Accounting Research*, vol. 25 (supplement 1987), pp. 22-46 **Robert p. Magee**, "Variable cost Allocation in a principal/Agent Setting", *The Accounting Review*, vol. 63, No.1, (January 1988), pp. 42-54, **Rajiv D. Banker and John s. Hughes**, *Product Costing and Pricing*, *The Accounting Review*, vol.69, No. 3, (July 1994), pp. 479-494., **Stanley Baiman and James Noel**, *Non controllable costs and Responsibility Accounting*, *Journal of Accounting Research*, vol. 23, number 3 (Autumn 1985), pp. 486-501., **Thomas Hemmer**, *Allocations of Sunk Capacity Costs and Joint Costs in a Linear Principal Agent Model*, *The Accounting Review*, vol.

نگهداری مناسب محسوب می شود. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که همبستگی مشخصی میان جابه جایی مدیران و شناخت کاهش ارزش دفتری دارایی ها وجود دارد.

به طور کلی از مطالعه دیدگاه های طرح شده در این نوشتار می توان استنباط کرد که تلقی استهلاک حسابداری به منزله ابزاری تعهد آفرین در روابط کارگزاری و نه سازوکار ارزشیابی دارایی ها می تواند منافع بسیاری را برای بنگاه های اقتصادی به همراه داشته باشد. دقت در ساختار بنگاه های اقتصادی آشکارا گویای آن است که کل ساختار سازمانی آن ها از طریق تعهدات قراردادی به یکدیگر وابسته است؛ مدیران ارشد بنگاه در برابر صاحبان سهام، اعتبار دهندگان و سایر گروه های صاحب نفع، متعهد به ایجاد جریان های نقدی آینده می باشند؛ مدیران سطوح پایین تر بنگاه نیز در برابر مدیران ارشد دارای تعهد مشابهی هستند؛ و در این فراگرد، چنان چه ثروت و منافع اقتصادی مدیران تابعی از سود حسابداری یا انحراف از پیش بینی های بودجه ای باشد، تسهیم استهلاک حسابداری به قسمت های تحت کنترل در راه بری مدیران می تواند ماهیت تعهدات آنان را به شدت دست خوش تغییر قرار دهند.

منابع

1. **Ball, Ray**, *Commitment, Historical Cost Accounting, and Accounting Depreciation*. *Financial Research and Policy Studies Working Paper Series No. 98-02* (Rochester, NY.: Graduate school of Business - University of Rochester, 1998).
2. **Ball, Ray, A. Scott Keating and Jerrold L. Zimmerman**, "Historical Cost as a Commitment Device", *Maandblad voor Accountancy en Bedrijfseconomie*, vol. 74, Special Issue (November 2000), pp.12-23.
3. **Zimmerman. Jerrold L.**, *Accountings for Decision Making and Control*, 3rd edition (Burr Ridge, IL.: The Irwin / Mc Graw - Hill Book Company, 2000).

پی نوشت

1. **Henry Rand Hatfield**, "What They say About Depreciation", *The Accounting Review*, Vol. 11, No. 2 (March 1936), pp. 36-40

۲- برای مطالعه بنیادهای مفهومی مربوط به شیوه استفاده از اطلاعات سود حسابداری و ارزش دفتری دارایی ها در محدوده قراردادهای

71, No.3 (April 1996), pp. 419-432., Ray Ball, *The Firm as a Specialist Contracting Intermediary: Application to Accounting and Auditing*, Unpublished Working Paper (Rochester, NY.: Graduate school of Business. University of Rochester, 1989)., William R. Rogerson, *Intertemporal Cost Allocation and Managerial Investment Incentives: A Theory Explaining the Use of Economic Value Added as a performance Measure*, *Journal of Political Economy*, vol. 105, No.4, (August 1997), pp. 770-795., Shyam sunder, *Theory of Accounting and control* (Cincinnati, OH.: South Western Publishing, 1997). P. 56., Stefan. Reichelstein, *Investment Decisions and Managerial Performance Evaluation*, *Review of Accounting Studies*, vol. 2, number 2 (June 1997), pp. 157-180

۱۳- به منظور مطالعه پاره ای از نوشته هایی که به بررسی و ارزیابی این مناظرات پرداخته اند، به مراجع زیر رجوع شود:

John B. Canning, *The Economics of Accountancy: A critical Analysis of Accounting Theory* (New York, NY: The Ronald press Company, 1929)., Raymond G. Chambers, *Accounting, Evaluation, and Economic Behavior* (Englewood Cliffs, NJ.: Prentice. Hall, 1966)., Edgar O. Edwards and Philip W. Bell, *The Theory and Measurement of Business Income* (Berkeley, CA: University of California Press, 1961).

14. Paul A. Samuelson, *Tax Deductibility of Economic Depreciation to Insure Invariant Valuation*, *Journal of Political Economy*, vol. 72, No. 604-6 (December 1964).

15. Ronald H. Coase, *The Nature of the Firm*, *Economics*, New series vol. 4, No.16 (November 1937), pp. 386-405.

16. Charles T. Horngren, George Foster and Srikant M. Datar, *Cost Accounting: A Managerial Empbasis*, Ninth edition (Englewood Cliffs, NJ: Prentice. Hall International, 1997), p. 386.

۱۷- اگرچه محور تحلیل های ارائه شده از سوی ساموئلسون بر سود مشمول مالیات قرار داشته است، اما دیدگاه های ابراز شده از سوی او به تدریج به عنوان نگرش غالب در مورد نظر اقتصاددانان پیرامون جایگاه استهلاک حسابداری در فرایند گزارشگری مالی، معرفی شد.

18. Irving Fisher, *The Theory of Interest* (New York, NY.: The Macmillan Company, 1930).

19. Costly Contracting Theory.

20. Ronald H. Coase., Op. cit., P.390

۲۱- دیدگاه های ابراز شده از جانب کاوز پایه های اولیه شکل گیری ادبیات اقتصادی منسجمی در زمینه هزینه های گوناگون مرتبط با انعقاد قراردادها را به وجود آورد. به منظور مطالعه برخی از نوشته های طرح شده در عرصه این ادبیات، به مراجع زیر رجوع شود:

Armen A. alchian and Harold Demsetz, *Production, Information Costs and Economic Organization*, *American Economic Review*, vol.62, No.5 (December

1985), 777-795., Michael C. Jensen and William H. Meckling, *Specific and General Knowledge*. In *Main Currents in Contract Economics*, Lars Werin and Hans Wijkander, eds (Oxford, England: Blackwell Publishing Group, 1991)., Oliver E. Williamson, *Markets and Hierarchies* (New York, NY.: The Freepress, 1975)., Oliver E. Williamson, *The Economic Institutions of Capitalism: Firms, Markets, Rational contracting* (New York, NK.: The Free Press, 1985)., Ross L. Watts, *Accounting Choice Theory and Market . Based Research in Accounting*, *British Accounting Journal*. Vol. 24, number 3 (October 1992), pp. 242-246.

22. Ray Ball, *The Firm as a Specialist Contracting Intermediary: Application to Accounting and Auditing*, *Business Unpublished Working paper* (Rochester, NY.: Graduate School of - University of Rochester, 1989).

23. Profit center.

24. Armen A. Alchian., Op. cit., P.38.

۲۵- در همین ارتباط، استفاده از نوعی روش استهلاک صعودی (Decelerated Depreciation) که بر پایه آن استهلاک دارایی بلندمدت در طول عمر مفید آن روند افزایشی دارد می تواند به گزینش بهترین تصمیم در مورد سرمایه گذاری مورد بررسی بینجامد.

26. Investment Center.

27. Residual Income.

28. Economic Value Added (EVA).

۲۹- ارزش افزایشی اقتصادی (Economic Value Added) علامت تجاری ثبت شده موسسه استرن استوارت و شرکا (stern stewart co.) می باشد.

30. Alison J. kirby, Stefan j. Riechelstein, Pradyot k. Sen, and Tae - Young Paik, *Participation, Slack, and Budget-Based Perfomance Evaluation*, *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, number 1 (Spring 1991), pp.109-128.

31. Take - or - pay contract.

32. Scott Emasten and keith J. Crocker, *Efficient Adapt Ation in long. Term Contracts: Take - or - Pay Provisions for Natural Gas*, *American Economic Review*, Vol. 75, No.5 (December 1985), pp. 1083-1093.

33. Shyam Sunder, *Theory of Accounting and Control* (Cincinnati, OH.: South - Western publishing, 1997).

34. Jerold I. Zimerman, *Accountings for Decision Making and Control*, Third edition (Burr Ridge, IL.:The Irwin/ McGraw. Hill Book company, 2001), pp. 377-378.

۳۵- این در حالی است که قیمت بازار دارایی های بلندمدت به دلیل برخورداری از مشخصه هم افزایی، فاقد خاصیت جمع پذیری می باشند.

36. Full Costing.

37. Seungjin Whang, *Cost Allocation Revisited: An Optimality Result*, *Management Science*, Vol. 35, No.10 (October 1989), pp.1264-1273.

38. Andrei shleifer and Robert W. Vishny., Op. Cit., P.130.

و سپس مقامات و مراجع نظارتی از طریق اعمال بررسی‌های نظارتی، از دقت و تناسب این الگوها اطمینان حاصل می‌کنند؛ بر این اساس، می‌توان چنین استنتاج کرد که رویکرد مبتنی بر الگوهای داخلی از نوعی رویکرد نظارتی برای صورت‌بندی الزامات کفایت سرمایه بانک بهره می‌گیرد. این در حالی است که رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی تا حد زیادی به معیارها و ساختارهای مقرر از جانب تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نظارتی متکی است و از این رو، رویکرد مزبور به رویکرد قانونی گرایش بیشتری دارد؛ هرچند که در چارچوب این رویکرد نیز مقامات و مراجع نظارتی به‌منظور تعیین رتبه‌بندی‌های داخلی، رویه‌های مورد استفاده بانک را ارزیابی و در مورد آنها اظهار نظر می‌کنند.

لازمه استفاده از این دو رویکرد نوین در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره در راستای برقراری انطباق میان سرمایه قانونی با سرمایه اقتصادی و به حداقل رساندن احتمال سوء استفاده از قوانین و مقررات، وجود دانش تخصصی درباره ویژگی‌ها و عواملی است که بانک‌ها و دارایی‌های آنها را در معرض مخاطره اعتباری قرار می‌دهد. در همین ارتباط تعدادی از پژوهشگران بانکداری با استفاده از **الگوهای شبیه‌سازی مونت کارلو**^{۳۳} تلاش نمودند تا ویژگی‌های خاص برخی از دارایی‌ها و انواع رفتارهایی که موجب می‌شود بانک در معرض مخاطره قرار گیرد را شناسایی کنند؛ و در همین ارتباط، کوشش شد تا پاسخ مشخصی برای این پرسش جستجو و ارائه شود. آیا نوعی ساختار خطی، که در محدوده آن مخاطرات اعتباری گوناگون به نحوی مستقل با یکدیگر جمع می‌شوند، می‌تواند به گونه‌ای مناسب کل مخاطره اعتباری بانک را نشان دهد؟ یافته‌های اولیه حاصل از بررسی انجام شده برای پاسخ‌گویی به این پرسش و هم چنین اقدامات به عمل آمده از جانب بانک مرکزی انگلستان در راستای ارائه تحلیلی منطقی در ارتباط با پرسش مزبور، به این نتیجه منجر شد که مخاطره اعتباری بانک‌ها تا اندازه زیادی متأثر از عواملی به این شرح است؛ رتبه‌بندی مشتریان بر حسب احتمال ناتوانی در بازپرداخت، برآوردهای مربوط به زیان احتمالی با فرض ناتوانی در بازپرداخت، معیارهایی از اندازه ترکیب دارایی‌های بانک و در نهایت ویژگی‌های استقرای کنندگان معدودی که بخش عمده‌ای از مجموعه اعتبارات اعطایی بانک، به آن‌ها تخصیص یافته است. افزون بر این، ساختار خطی که برخاسته از ذات رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی است می‌تواند

و برخوردار از رتبه (CCC) هر دو مشابه و در حد صد در صد است. در نتیجه، به دلیل مشابهت وزن مخاطره تمام بنگاه‌های اقتصادی و همسان بودن میزان سرمایه لازم برای پوشش مخاطره آنها، بانک‌ها ترجیح می‌دهند به جای بهره‌گیری از دارایی‌های مطمئن باثبات، مجموعه‌ای از دارایی‌های پر مخاطره را در ترکیب دارایی‌های خود بگنجانند. بنابراین رعایت الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره نه تنها موجب محدود ساختن میزان مخاطره‌پذیری بانک‌ها نمی‌شود، بلکه به مخاطره‌پذیری بیش‌تر از جانب آنها نیز می‌انجامد. بر همین پایه بوده است که بسیاری از اندیشمندان بانکداری ضمن ابراز نگرانی‌های خود از انگیزه‌های بانک‌ها برای جابه‌جایی میان **سرمایه اقتصادی**^{۳۴} و **سرمایه قانونی**^{۳۵} به این نکته اشاره کرده‌اند که اهمیت و جایگاه سرمایه قانونی به مرور زمان از میان خواهد رفت.^{۳۵}

یکی از مسایل اساسی در ارتباط با افزایش اثربخشی نظارت احتیاطی در نظام بانک، وجود امکان پالایش الزامات کفایت سرمایه است؛ به نحوی که این الزامات متضمن وجود سرمایه کافی در بانک‌ها برای رویارویی با حجم واقعی مخاطره اعتباری فعالیت‌های آنها باشد. در راستای تحقق این آرمان، کمیته قوانین و رویه‌های نظارتی بانکداری دو رویکرد را در ارتباط با الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره اعتباری ارائه کرده است^{۳۶} که عبارتند از:

۱- **رویکرد استاندارد**^{۳۷} که تا اندازه زیادی مشابه الزامات قبلی است و به رغم تعدیلات به عمل آمده، هنوز هم از نارسایی‌های بسیاری برخوردار است؛

۲- **رویکرد رتبه‌بندی داخلی**^{۳۸} که بر پایه آن، میزان سرمایه مورد نیاز از طریق مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر رتبه‌بندی مخاطره اعتباری به وسیله خود بانک، محاسبه می‌شود.

انتظار بر آن است که با گذشت زمان، امکان گرایش بیش‌تر به سمت استفاده از الگوهای داخلی به نحوی مشابه آن چه که در مورد مخاطره بازار از آن استفاده می‌شود، وجود داشته باشد. حقیقت آن است که استفاده از رویکردهای مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی و الگوهای داخلی می‌تواند زمینه لازم برای انطباق هر چه بیش‌تر میان الزامات کفایت سرمایه قانونی با سرمایه اقتصادی را فراهم کند. در محدوده رویکرد مبتنی بر الگوهای داخلی، هر بانک ابتدا تصمیم مشخصی را در ارتباط با الگوهای مورد استفاده اتخاذ می‌کند

رویکرد مبتنی بر اقتصاد سیاسی، تحلیل‌هایی را در زمینه دلایل دگرگونی قوانین و مقررات جدید ارائه کرده‌اند.^{۴۲} یافته‌های حاصل از بررسی‌ها و تحلیل‌های آنان گویای آن است که یکی از عوامل موثر و تعیین‌کننده در فرایند تدوین و مقررات صنعت بانکداری همانا علایق و منافع شخصی افراد و گروه‌های برخوردار از قدرت سیاسی می‌باشد؛ ضمن آن که شیوه تفکر و گرایش‌های فکری و ایدئولوژیک این افراد و گروه‌ها نیز از دیگر عوامل با اهمیت در این راستا محسوب می‌شود. با این حال، به رغم اعتبار الگوی مبتنی بر علایق و منافع شخصی و توانمندی آن در شرح شیوه حصول قوانین و مقررات نظارتی، برخی از اندیشمندان معتقدند که پایایی نتایج الگوی مبتنی بر رگرسیون خطی در مقایسه با دستاوردهای الگوی مزبور بیش‌تر است.

این گروه از صاحب‌نظران مسائل حقوقی در عرصه بانکداری چنین استدلال می‌کنند که توجه به علایق و منافع شخصی تنها می‌تواند زمینه پیش‌بینی یکی از آرای موثر بر تصویب یا رد قوانین و مقررات را فراهم کند؛ در حالی که لازمه پیش‌بینی دقیق و صحیح احتمال تصویب یا رد هر یک از قوانین و مقررات نظام بانکی، وجود امکان پیش‌بینی متوسط دیدگاه‌ها و آرای است که در نهایت بر فرایند قانون‌گذاری در این عرصه، موثر می‌باشد.

اما در هر صورت، بررسی‌های مبتنی بر اقتصاد سیاسی و تحلیل‌های ارائه شده در حوزه آن روشنگر نکاتی است که علل تصویب قوانین و مقررات خاص در نظام بانکی را شرح می‌دهد.

برای نمونه، بروز نوسان‌های اقتصادی و تحول در عرصه فن‌آوری اطلاعات بانکی سبب شده است تا سهم بانک‌های کوچک، به عنوان اصلی‌ترین حامیان وجود قوانین منع ثبت و ایجاد بانک‌های بین‌ایالتی در کشور آمریکا، از کل بازار خدمات بانکی به شدت تنزل یابد؛ و بدین گونه بود که توانمندی مقامات این بانک‌ها برای مبارزه با قوانین و مقررات مربوط به مجاز شمردن عملیات بانک‌ها در ایالات مختلف کشور مزبور، کاهش پیدا کرد. توجه به چنین نتایجی نشان می‌دهد که شیوه مشخصی برای نگرش به فرایند تصویب قوانین و مقررات وجود دارد؛ به طوری که اگر هدف از طراحی

برآوردهای معتدل و مطلوبی را از کل مخاطره اعتباری بانک، ارائه کند. یافته‌های این پژوهش‌ها و مطالعات می‌تواند برای بانک‌ها و موسسات اعتباری، که در پی طراحی الگوهای داخلی برای ارزیابی مخاطره اعتباری می‌باشند، و هم چنین برای مقامات و مراجع نظارتی، که ناگزیر از ارزیابی الگوهای داخلی بانک‌ها هستند، یا برای تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نظارتی، که ممکن است به دنبال طراحی نوعی رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی‌های داخلی برای تعیین الزامات کفایت سرمایه مبتنی بر مخاطره اعتباری باشند، مفید و سودمند واقع شود.^{۴۳}

شیوه تدوین قوانین و مقررات نظارتی

استفاده از تحلیل‌های اقتصادی برای تدوین قوانین و مقررات نظارتی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف خاصی باشد؛ و در همین ارتباط مقالات و تئنگاری‌های تخصصی متعددی ارائه شده که سودمندی تحلیل‌های اقتصادی در عرصه صورت‌بندی قوانین و مقررات را مورد تایید قرار داده است. با این حال، به رغم وجود اتفاق نظر نسبی میان اقتصاددانان در مورد شکل و نوع قوانین و مقررات، در بیش‌تر موارد آن چه که در عالم واقع به آن دست یافته می‌شود، موضوع مناقشات و مناظرات بسیاری است. برای نمونه، بیش از دو دهه است که میان اقتصاددانان بانکی در کشور ایالات متحد آمریکا در مورد مطلوبیت حذف محدودیت‌های مربوط به ایجاد شعب بانک‌ها در ایالات مختلف و اثر آن بر بهبود کارایی در نظام بانکی و دستیابی به ثبات در عرصه فعالیت بانک‌ها، اتفاق نظر

یکی از عوامل موثر و تعیین‌کننده در فرآیند تدوین قوانین و مقررات صنعت بانکداری همانا علایق و منافع شخصی افراد و گروه‌های برخوردار از قدرت سیاسی می‌باشد

وجود دارد. با این وجود، به رغم اجماع اقتصاددانان هیچ‌گونه اقدام موثری در این خصوص تا سال ۱۹۹۴ میلادی به عمل نیامده بود؛ سالی که در آن **قانون ریگل - نیل در مورد کارایی ایجاد شعب بین‌ایالتی**^{۴۴} تدوین و تصویب گردید و به موجب آن، محدودیت مربوط به ثبت و ایجاد شعب یک بانک در ایالات مختلف، از میان برداشته شد. اما به واقع علت اصلی طولانی بودن فرایند زمانی ایجاد اصلاحات بنیادی در محدوده‌ی نظام بانکی چیست؟ و چه عاملی موجب می‌شود تا این اصلاحات سرانجام به اجرا در آید؟

پاره‌ای از اقتصاددانان و متخصصان مالی با استفاده از

ارتباط، هر گونه سیاست پولی موفقیت‌آمیز به طور قطع و یقین باید آینده‌نگر باشد. در نبود پیش‌بینی‌های دقیق از متغیرهای کلان اقتصادی، تدوین‌کنندگان سیاست‌های پولی در تشخیص ارزش‌های درست برای تنظیم ابزارهای اجرای سیاست‌ها و حصول آرمان‌های مورد نظر، ناتوان خواهند بود.

در همین راستا، بررسی‌هایی در حوزه طرح‌های پیشنهادی برای بهبود و طراحی مجدد نظام نظارت بر بانک‌ها، انجام گرفته که هدف نهایی از این اقدامات، شناسایی آن دسته از اطلاعاتی است که می‌تواند ضمن برآوردن اهداف مراجع نظارتی، در زمینه بهبود پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی مربوط به سیاست‌های پولی نیز سودمند واقع شود. حاصل چنین بررسی‌ها و اقداماتی آن بوده است که اطلاعات حاصل از نظارت بر بانک‌ها و ارزیابی سلامت و ثبات آنها می‌تواند پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی در زمینه تورم و نرخ بیکاری را بهبود بخشد. بر این اساس، حذف بانک مرکزی از عرصه نظارت بر نظام بانکی یا محدود ساختن نقش آن به نظارت بر بانک‌های بزرگ موجب وارد آمدن خسارت‌های زیاد به فرایند اعمال سیاست‌های پولی می‌شود.^{۳۳}

با این وجود، گروهی دیگر از صاحب نظران مسائل نظارت بر بانک‌ها بر این باورند که مهم‌ترین ملاحظه در فرایند طراحی ساختار نظارتی برای نظام بانکی، بهبود اطلاعات برای افزایش دقت پیش‌بینی‌های سیاست‌های پولی نیست؛ بلکه اصلی‌ترین مساله در این فرایند همانا اثر ساختار نظارتی بر بهبود ثبات مالی است. در همین ارتباط، چنین ادعا شده است که اعمال نظارت بر نظام بانکی باید از جانب بانک مرکزی صورت پذیرد؛ باشد تا از این طریق، زمینه تسهیل در ایفای نقش آخرین منبع اعتباری از سوی بانک مرکزی نیز فراهم شود. اما در هر حال، موضوع تعیین نهاد مسئول در زمینه اعمال نظارت بر بانک‌ها هنوز هم یکی از مباحث چالش‌برانگیز در محدوده ادبیات بانکداری به شمار می‌رود و در این خصوص، دیدگاه‌ها و آرای متفاوتی ابراز شده است.^{۳۴}

یکی دیگر از مسائل طرح شده در همین ارتباط، امکان پذیر بودن تهیه اطلاعات سودمند از جانب نهادهای نظارتی گوناگون برای مقاصد اعمال سیاست‌های پولی از سوی بانک مرکزی است، اما گروه کثیری از صاحب نظران بانکداری بر این باورند که دستیابی بانک مرکزی به اطلاعات نظارتی مورد نیاز برای بهبود پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی مستلزم حضور جدی و فعال بانک مزبور در عرصه نظارت بر بانک‌ها می‌باشد. شاید یکی از راه‌کارهایی که از طریق آن

قوانین و مقررات ایجاد پراکندگی در تلاش‌های افراد و گروه‌های برخوردار از علائق و منافع خاص باشد و به عبارت دیگر، اگر این قوانین و مقررات در پی اجرای راه برد "تفرقه بینداز و حکومت کن" باشند، احتمال پشتیبانی این افراد و گروه‌ها از تصویب قوانین و مقررات تامین‌کننده منافع گروه‌های خاص تا اندازه زیادی کاهش پیدا می‌کند. در حقیقت، با تفکر در چنین دیدگاه‌هایی می‌توان به آسانی نحوه عمل اقتصاددانان در زمینه افزایش پیچیدگی سیاسی راه‌کارهای مربوط به حل و فصل تضاد منافع میان افراد و گروه‌های مختلف را تشخیص داد؛ راه‌کارهایی که اساساً موجب افزایش احتمال تصویب قوانین و مقرراتی می‌شود که بهبود رفاه اجتماعی آحاد گوناگون جامعه را به همراه دارد.

کدامین نهاد باید عهده‌دار مسئولیت اعمال نظارت بر نظام بانکی باشد؟

کشورهای مختلف جهان در مورد تعیین نهاد مسئول در ارتباط با اعمال نظارت بر نظام بانکی، روش‌های متفاوتی را اختیار کرده‌اند. برای نمونه، در برخی از کشورها مانند آرژانتین، اعمال نظارت اساساً در انحصار بانک مرکزی قرار دارد؛ در حالی که در پاره‌ای از دیگر کشورها میان اعمال سیاست پولی و اعمال نظارت بر نظام بانکی، تفکیک و تمایز ایجاد شده و هیچ‌گونه نقش نظارتی به بانک مرکزی داده نشده است. در دسته‌ای از کشورها نیز نهاد مسئول در زمینه نظارت بر بانک‌ها با همکاری سایر نهادهای نظارتی در سطوح مختلف حکومتی (دولت مرکزی، دولت ایالتی، دولت محلی)، وظایف مربوط به نظارت بر نظام بانکی را اجرا می‌کند.

وجود تفاوت در نحوه عمل کشورهای مختلف جهان در زمینه تعیین نهاد مسئول در زمینه اعمال نظارت بر نظام بانکی سبب شده است تا گروهی از پژوهشگران بانکداری به تحلیل مساله پرداخته و راه‌کارهایی را در این خصوص ارائه کنند؛ راه‌کارهایی که هدف اصلی از آنها تعیین مناسب‌ترین ساختار نظارتی برای نظام بانکی است.

بررسی‌های به عمل آمده در این راستا گویای آن است که میان کارکردهای مربوط به اعمال نظارت و اعمال سیاست‌های پولی نوعی هم‌افزایی وجود دارد؛ زیرا اطلاعات حاصل از ارزیابی سلامت و ثبات بانک‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بهبود دقت پیش‌بینی‌های کلان اقتصادی باشد. جالب توجه آن که لازمه اعمال سیاست‌های پولی همانا وجود امکان پیش‌بینی دقیق متغیرهای کلان اقتصادی است و در این

و بدیهی است که تحلیل دقیق تر ابعاد مربوط به طراحی نوعی نظام نظارت احتیاطی برای نظام بانک مستلزم اجرای پژوهش‌هایی می‌باشد که به صورت همه‌جانبه به بررسی موضوع پرداخته و ابعاد گوناگون آن را مدنظر قرار دهند. یافته‌های چنین پژوهش‌هایی ضمن آن که می‌تواند اثربخشی نظارت بر نظام بانکی را افزایش دهد، به کارایی سیاست‌های پولی کشور نیز کمک شایانی خواهد کرد و جمله این موارد در نهایت می‌تواند به ثبات مالی در کل اقتصاد بینجامد.



پی نوشت

- 1- Randolph P. Beatty, Rex Thompson and Michael Vetsuypens, *Issuance Costs and Regulatory Change in the Investment Banking Industry*, Preliminary Working Paper (Dallas TX.: Southern Methodist University March 1998). Amar Gande Manju Puri and Anthony Saunders, "Bank Entry Competition and the Market for Corporate Securities Underwriting" *Journal of financial Economics* Vol. 54. No. 2 (November 1999) pp. 165-195.
- 2- Geore Benston, *The Separation of Commercial and Investment Banking: The Glass - Steagall Act Revisited and Reconsidered* (Oxford: Oxford University Press 1990) p. 273.
- 3- James S. Ang and Terry Richardson, "The Underwriting Experience of Commercial Bank Affiliates Prior to the Glass - Steagall Act: A Reexamination of Evidence for Passage of the Act", *Journal of Banking and Finance*. Vol.18., No.2, (January 1994) pp. 351-395. also Randall S. Kroszner and Raghuram G. Rajan "Is the Glass-steagall Act Justified? A Study of the U. S. Experience With Universal Banking Before 1933", *American Economic Review*. Vol.84. No.4 (September 1994) pp. 810-832. Also Randall S. Kroszner and Raghuram G. Rajan "Organization Structure and credibility: Evidence From Commercial Bank Securities Activities Before the Glass -Steagall Act" *Journal of Monetary Economics*, Vol.39. No.3 (August 1997) pp. 475-516. Also Manju Puri, "The Long - term Default

بتوان ساختار ارتباط بانک مرکزی با نهادهای نظارتی را بهبود بخشید و زمینه دسترسی آن به اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را فراهم ساخت، همانا ایجاد تغییر در ساختار فعلی رابطه بانک مرکزی با نهادهای نظارتی باشد.

نظارت بر بانک و تاثیر آن بر نظام اقتصادی

اگر چه هدف اولیه نظارت بر بانک‌ها همانا بهبود ثبات مالی است، اما نظارت بر نظام بانکی به خودی خود بر میزان وام‌ها و اعتبارات اعطایی نظام بانکی اثرگذار می‌باشد؛ و بدین گونه است که اعمال نظارت بر بانک‌ها بر کل نظام اقتصادی و رشد و توسعه آن تاثیر می‌گذارد. ادبیات بانکداری حاوی نمونه‌های بسیاری است که نشان می‌دهد بروز بحران‌های بانکی و محدود شدن انگیزه‌های بانک‌ها برای اعتباردهی، ضمن کاهش تقاضا در سطح کل اقتصاد به شکل‌گیری رکود اقتصادی نیز منجر می‌شود. در همین ارتباط، گروهی از پژوهشگران بانکداری نیز به بررسی تأثیر بالقوه نظارت احتیاطی و میزان سخت‌گیری مراجع و نهادهای نظارتی در زمینه اعمال قوانین و مقررات مربوط به آن، بر میزان وام‌ها و اعتبارات اعطایی بانک‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از این مطالعات نشان می‌دهد که رفتار بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات تا اندازه زیادی متأثر از میزان سخت‌گیری در اعمال قوانین و مقررات نظارتی است؛ به طوری که با کاهش این سخت‌گیری‌ها، میزان تسهیلات مالی اعطا شده به وسیله بانک‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. بر همین اساس و با توجه به اثرهای میزان اعتبارات و وام‌های اعطا شده بر رونق اقتصادی، اعمال سخت‌گیری در زمینه نظارت بر بانک‌ها می‌تواند از پیامدهای اقتصادی نامطلوب بسیاری برخوردار باشد.

افزون بر این، شواهد گردآوری شده نشان می‌دهد که تغییر در میزان سخت‌گیری در اعمال قوانین و مقررات نظارتی می‌تواند دارای اثرهایی بر متغیرهای اقتصادی باشد که از جهت سیاست‌های پولی نیز با اهمیت محسوب می‌شود. اما گروهی دیگر از اندیشمندان بانکداری معتقدند که شواهد گردآوری شده در این خصوص، هیچ‌گونه توجهی به اثرهای ناشی از تغییر در کل محیط اقتصادی و متغیرهایی غیر از نظارت نکرده است.

کلام آخر

در این مقاله تلاش شد تا پیامدهای مثبت حاصل از وجود نوعی نظام نظارت احتیاطی اثربخش و تاثیر مطلوب آن بر سلامت و پایداری اقتصادی کشور بررسی و تحلیل شود. مسلم

Case of Argentina, 1992-99." In **Prudential Supervision: what work and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 147-196.

14- Monitoring.

15- Influencing.

16- Mark J. Flannery, "Using Market Information in Prudential Bank Supervision: A Review of the U. S. Economical Evidenc", **Journal of Money, Credit and Banking** Vol. 30, No.3 (August 1998), pp. 273-305.

17- Non-Extreme Situations.

۱۸- نمونه‌ای از یک وضعیت حاد، شرایطی است که در آن ورشکستگی بانک قریب‌الوقوع بوده و عملکرد آن به نحوی است که زمینه انحلال و تحصیل آن از سوی یک بنگاه اقتصادی، کاملاً محتمل است.

19- Robert R. Bliss and Mark J. Flannery, op. cit., 132.

20- Raghuram G. Rajan, "Market Discipline in the Governance of U. S. Holding companies:

Monitoring Versus Influencing - A Comment." in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 146-147.

21- Laurence H. Meyer, op. cit.

۲۲- پنج عنصر مورد اشاره یعنی اوراق مشارکت (Bonds)، حسابرسی (Auditing)، نظارت (Supervision)، اطلاعات (Information) و رتبه‌بندی اعتباری (Credit Rating)، ارکان اصلی نظام نظارتی موسوم به (BASIC) را تشکیل می‌دهند.

23- Charles W. Calamiris and Andrew Poll, op. Cit., p.184.

24- *ibid.*, p. 186.

25- Douglas W. Diamond, "Can Emerging Market Bank Regulators Establish Credible Discipline? The Case of Argentina, 1992-99-A Comment." in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 195-197.

26- Bureaucratic Gambling.

27- Edward J. Kane, *The SEL Insurance Mess: How Did It Happen?* (Washington D. C., WA.: Urban Institute Press, 1989).

Performance of Bank Underwritten Security

Issues", **Journal of Banking and Finance** Vol. 18. No.2 (January 1994) pp. 397-418. also Amar Gande, Manju

Puri, Anthony Saunders and Ingo Walter, "Bank Underwriting of Debt Securities: Modern

Evidence", **Review of Financial Studies**, Vol.10. No.4 (Winter 1997) pp. 1175-1202.

4-Firewalls.

5-James R. Barth, Gerard Caprio, Jr. and Ross Levine.

"Banking Systems around the Globe: Do Regulation and Ownership Affect Performance and Stability?" In **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**. Frederic S Mishkin ed. (Chicago. Ill.: University of Chicago Press. 2001). pp. 31-97.

6-*ibid.*, p.69.

7-Mark Gertler, "Banking Systems around the Globe: Do Regulation and Ownership Affect Performance and Stability? A Comment". In

Prudential Supervision: what Works and what Doesn't. Frederic S. Mishkin. Ed. (Chicago. Ill.: University of Chicago press. 2001). pp. 83-87.

8- James R. Barth. et. al. op. cit. p.73.

9-*ibid.*, p.79.

10- Laurence H. Meyer, *Financial Stability in*

Emerging Markets - what Have we Accomplished

and what Remains To Be Done? (Washington D. C., WA.: Center for Strategic and International Studies,

December 2001).

11- *ibid.*

12- Subordinated Debt .

۱۳- برای مطالعه برخی از آرا و دیدگاه‌های ابراز شده در زمینه کاربرد نظام‌بازار در محدوده نظارت بر بانک‌ها، به دو مرجع زیر رجوع شود:

Robert R. Bliss and Mark J. Flannery, "Market Discipline in the Governance of US Bank Holding companies: Monitoring Versus Influencing" in

Prudential Supervision: what works and what Doesn't, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago Ill.: University of

Chicago Press, 2001), pp. 107-146., also Charles W.

Calomiris and Andrew Powell, "Can Emerging Market Bank Regulators Establish Credible Disciplin? The

the Design of Bank Regulatory Structure - A Comment." In **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 295-300.

۴۵- برای مطالعه تعدادی از مقالات و آثار نوشتاری مرتبط با این موضوع، به مراجع زیر رجوع شود:

Ben S. Bernanke and Cara S. Lown, "*The Credit Crunch.*" in **Brooking Papers on Economic Activity** 2, William C. Brainard, Georg I. Perry, and Robin Brooks, eds. (Washington D. C., WA.: The Brookings Institute, July 1991), pp. 205-239., also **Federal Reserve Bank of New York**, "*The Role of the Credit Slowdown in the Recent Recession.*" **Federal Reserve Bank of New York Quarterly Review**, Vol.18, No.1 (January 1993), pp. 4-16., Also Allen N. Berger and Gregory F. Udell, "*Did Risk-Based Capital Requirements Allocate Bank credit and Cause a Credit Crunch in the United States*" **Journal of Money, Credit, and Banking**, Vol.26, No.3 (August 1994), pp. 585-628., also Allen N. Berger, Anil K Kashyap, and Joseph M. Scalise, "*The Transformations of the U. S. Banking Industry: What a long Strange Trip It's Been.*" in **Brooking Papers on Economic Activity** 2, William C. Brainard, Georg I. Perry, and Robin Brooks, eds. (Washington D. C., WA.: The Brookings Institute, July 1991), pp. 55-201., also Diana Hancock, Andrew J. Laing, and James A. Wilcox, "*Bank Capital Shocks: Dynamic Effects on Securities, Loans, and Capital.*" **Journal of Banking and finance**, Vol. 19, Nos. 3-4 (June 1995), pp.661-678., Also Joseph Peek and Eric S. Rosengren, "*Bank Regulation and the Credit Crouch.*" **Journal of Banking and finance**, Vol. 19, Nos. 3-4 (June 1995), pp. 679-692.

46- Allen N. Berger, et. al., Op. cit.

47- Stephen G. Cecchetti, "*Did US Bank Supervisors Get Tougher during the Credit Crunch? Did They Get Easier during the Banking Boom? Did it Matter to Bank Lending? A Comment.*" in **Prudential Supervision: what works and what Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 345-357.

28- Frederic S. Mishkin, "*Evaluating FDICIA.*" In **FDICIA: Bank Reform Five Years Later and Five Years Ahead**, George Kaufman, ed. (Greenwich, Conn.: JIA. Press, 1997), pp.17-33.

29- Signal.

30- Price Signal.

31- Charles W. Calomiris and Andrew Powell, op. cit.

32- Allen N. Berger, et. al., Op. cit., P.327.

33- **Economic Capital.**

34- **Regulatory Capital.**

35- Laurence H. Meyer, op. cit.

36- **Committee on Banking Regulations and Supervisory Practices (The Basel Committee), A New Capital Adequacy Framework** (Basel, Switzerland: Bank For international Settlements, 1999).

37- Standard Approach.

38- Internal Ratings Approach.

39- Monte Carlo Simulation Model.

40- Mark Carey, "*Dimensions of Credit Risk and Their Relationship to Economic Capital*

Requirements." in **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 197-233.

41- The Riegle- Neal, *Interstate and Branching Efficiency Act.*

42-Randall S. Kroszner and Philip E. Strahan,

"Obstacles to Optimal Policy: The Interplay of Politics and Economics in Shaping Bank Supervision and Regulation Reforms." In **Prudential Supervision: What works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 233-273.

43- Joe Peek, Eric S. Rosengren, and Geoffrey M. B. Too tell, "*Synergies Between Bank Supervision and Monetary Policy; Implications for the Design of Bank Regulatory Structure.*" in **Prudential Supervision: What Works and What Doesn't**, Frederic S. Mishkin, ed. (Chicago, Ill.: University of Chicago Press, 2001), pp. 273-295.

44- Ben S. Bernanke, "*Synergies Between Bank Supervision and Monetary Policy; Implications for*

آن‌ها تسهیل می‌گردد. چایکن و ایگلی (۱۹۸۳) در آزمایش مشابه دیگری آثار ویژگی‌های پیام‌دهنده بر محمل مخابره پیام را مورد آزمایش قرار دادند. آن‌ها متوجه شدند وقتی منتقل‌کننده پیام خوش‌برخورد و خوش‌صفت باشد، پیام‌هایی که به شکل نوار ویدئویی و نوار رادیویی منتقل می‌گردد، نسبت به پیام‌های کتبی مؤثرتر است، اما وقتی منتقل‌کننده خوش‌برخورد نباشد، پیام‌های کتبی مؤثرتر واقع می‌شود. به‌همین روش آندرولی و ورچل (۱۹۷۸) دریافتند که پیام‌های تلویزیونی که منابع خبری آن‌ها خبرنگاران قابل‌اعتماد باشند، اثرگذارترند، در حالی که در مواردی که منشأ اطلاعات سیاستمداران غیرقابل‌اعتماد باشند، پیام‌های نوشتاری اثرگذارتر هستند.

علیرغم تحقیقات کمی که در حسابداری در مورد اثرات محمل افشاء اطلاعات به عمل آمده است، تحقیقاتی که در روان‌شناسی انجام شده گویای آن است که محمل افشاء یکی از عواملی است که همراه با متغیرهای دیگر بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارد. برای مثال افشای اطلاعات به شکل رو در رو، مانند آنچه در کنفرانس‌ها روی می‌دهد، ممکن است برای مدیرانی که به عنوان اشخاص قابل‌اعتماد مطرح شده‌اند معتبرتر باشد، در صورتی که برای مدیرانی که ظاهراً از قابلیت اعتماد کم‌تری برخوردار هستند، افشاء اطلاعات به شکل کتبی مانند افشاء به شکل اعلامیه‌های مطبوعاتی معتبرتر به نظر می‌رسد.

افق زمانی

افق زمانی که در ارتباط با آینده مورد لحاظ قرار می‌گیرد نیز می‌تواند در مورد افشای اطلاعات مربوط به آینده بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر بگذارد. مدیران احتمالاً درباره نتایج مرتبط به آینده نزدیک، اطلاعات بهتری دارند. در نتیجه به نظر می‌آید که به طور کلی افشای اطلاعات مربوط به افق زمانی کوتاه‌تر، مانند پیش‌بینی‌های مربوط به سود میان‌دوره‌ای، معتبرتر از افشای اطلاعات مربوط به افق زمانی دورتر مانند پیش‌بینی‌های سود سالانه است. پانال و همکاران (۱۹۹۳) با تأیید این نظر نشان داده‌اند که

تاریخی موید این موضوع بوده و به این نتیجه می‌رسند که اطلاعات پیش‌بینی شده دقیق‌تر منجر به ارتباط مستحکم‌تری بین سود غیرمنتظره و بازده غیرمنتظره می‌شود. مجموعاً این نتایج حاکی از آن است که مدیریت می‌تواند با افزایش دقت اطلاعات در پیش‌بینی‌ها میزان اعتبار این اطلاعات را نیز افزایش دهد. به هر حال باید توجه نمود که اطلاعات پیش‌بینی‌شده دقیق نیز بدون ریسک نمی‌باشد. اطلاعات پیش‌بینی‌شده توسط مدیران در صورتی که فاقد دقت لازم در پیش‌بینی باشد، به عنوان نادرست تلقی شده و میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط آنان نزد سرمایه‌گذاران کاهش خواهد یافت.

محمل افشاء

مدیریت اطلاعات را به طرق مختلف افشاء می‌کند که از جمله آن‌ها صورت‌های مالی حسابرسی شده، نشست‌های مطبوعاتی، نشست‌های تحلیل‌گران، مجمع‌های عمومی سالانه سهامداران و اعلامیه‌های ویژه مطبوعاتی می‌باشد. در حال حاضر هیچ تحقیق حسابداری صورت نگرفته که به‌طور مستقیم تفاوت بین میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به یک روش را با روش یا روش‌های دیگر مقایسه کرده باشد، اما تحقیقاتی که در روان‌شناسی انجام شده نشان می‌دهد که محملی که از طریق آن یک پیام دریافت می‌شود - به‌همراه ویژگی‌های خود پیام و پیام‌دهنده - می‌تواند بر استنباط از میزان اعتبار آن پیام تأثیر بگذارد.

چایکن و ایگلی (۱۹۷۶) در آزمایشی برای تعدادی از شرکت‌کنندگان پیام‌هایی در مورد یک بحث حقوقی ارسال کردند که برخی از آن‌ها به آسانی قابل‌درک بود و برای تعدادی دیگر نیز با حفظ موضوع پیام‌هایی را فرستادند که درک آن‌ها آسان نبود. این پیام‌ها به صورت‌های نوشته، نوار ویدئویی و نوار رادیویی منتقل گردیدند. آن‌ها متوجه شدند پیام‌هایی که درک آن‌ها مشکل باشد، در صورتی که به صورت کتبی منتقل گردند از سهولت و درک بیش‌تری برخوردار خواهند بود. در حالی که در مورد پیام‌های ساده و قابل‌درک وقتی از طریق نوار ویدئویی منتقل می‌گردند، درک

پیش‌بینی‌های انجام شده توسط مدیریت که در رابطه با سود میان دوره‌ای صورت می‌گیرد در مقایسه با پیش‌بینی‌های سود سالانه موجب واکنش بیش‌تری در قیمت سهام می‌شود و این موضوع حتی پس از کنترل بار اطلاعات جدیدی که در پیش‌بینی وجود دارد نیز صادق است.

سایر اطلاعاتی که می‌تواند مؤید موضوع باشد

شرکت‌ها اغلب برای تأیید اطلاعاتی که افشاء می‌کنند توجیهاتی را ارائه می‌نمایند. برای مثال شرکتی که اطلاعات پیش‌بینی شده‌ای در مورد افزایش غیرمنتظره سود منتشر می‌کند ممکن است در راستای توجیه اطلاعات تصریح کند که شرکت افزایشی در فروش و یا کاهش هزینه‌های اداری را انتظار دارد. این‌گونه توضیحات تکمیلی باید میزان اعتبار پیش‌بینی سود را به دلایل متعددی افزایش دهد. دلیل اول این است که بسیاری از توضیحات تکمیلی حاوی اطلاعات خاص درونی است. گیگلر (۱۹۹۴) عنوان می‌کند که تصمیمات مربوط به افشاء اطلاعات غالباً حاصل کنکاشی

است که در آن باید بین اطلاعات

درونی قابل افشاء برای

سرمایه‌گذاران و قابلیت استفاده

همان اطلاعات توسط رقبا

تصمیم‌گیری شود. اگر

سرمایه‌گذاران متوجه شوند که

بهای تمام شده اطلاعات داخلی افشاء شده برای مالکان بالا است، آن اطلاعات را معتبرتر تلقی می‌کنند. یافته‌های کرنی و ریچاردسون (۱۹۹۹) حاکی از این موضوع است که وقتی بهای تمام شده اطلاعات درونی قابل ارائه به مالکان زیاد باشد میزان اعتبار پیش‌بینی‌های سود مدیریت نیز افزایش می‌یابد.^۷

دلیل دوم در تأیید این که توضیحات تکمیلی میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش می‌دهد این است که این توضیحات قابلیت رسیدگی بعدی اطلاعات افشاء شده را افزایش می‌دهند هیوتن و همکاران (۲۰۰۳). با ارائه توضیحات خاص درباره اجزای اطلاعات پیش‌بینی شده،

مدیران توانایی خود در استفاده از موقعیت‌های آتی در راستای ارائه توجه‌های فرصت‌طلبانه بعدی در مورد تحقق پیش‌بینی‌ها و یا توجیه نتایج غیرمنتظره را کاهش می‌دهند. این تعهد اضافی که مدیران متقبل می‌شوند، میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش می‌دهد. تحقیقات انجام شده به وسیله هیوتن و همکاران (۲۰۰۳) و باگینسکی و همکاران (۲۰۰۴) این موضوع را تأیید می‌کند، زیرا آن‌ها طی تحقیقات خود متوجه شده‌اند در صورتی که پیش‌بینی‌های سود که توسط مدیریت صورت گرفته با توجیهاتی همراه باشد، واکنش‌های قیمت سهام بیش‌تر می‌گردد.^۸

منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده

آخرین عامل تأثیرگذار بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت منطقی بودن ذاتی خود اطلاعاتی است که افشاء می‌شود. تحقیقات در زمینه‌های مختلف دیگر نشان می‌دهد که مردم نسبت به اطلاعاتی که با انتظارات یا باورهای قبلی آن‌ها هم‌خوانی ندارد تردید دارند. کوهلر (۱۹۹۳)

متوجه شده است که حتی

قضایات‌های دانشمندان نیز به

وسیله باورهای قبلی آن‌ها تحت

تأثیر قرار می‌گیرد. وقتی

نتیجه‌گیری‌های مندرج در یک

مقاله علمی مخالف با باورهای قبلی

دانشمند باشد وی روش تحقیق به کار رفته در تحقیق را مورد تردید قرار داده و آن را در سطح نازل‌تری تلقی می‌نماید. با تسری این نظر به اطلاعات افشاء شده مالی، افشاء اطلاعاتی که به طور قابل ملاحظه‌ای از انتظارات سرمایه‌گذاران فاصله دارد نسبت به اطلاعات افشاء شده‌ای که با انتظارات آن‌ها هماهنگ‌تر است از اعتبار کم‌تری برخوردار خواهد بود.

برای مثال احتمالاً پیش‌بینی رشد سود ۱۰ درصد برای شرکتی که سود گزارش شده سه سال متوالی آن منفی بوده نسبت به شرکتی که سود گزارش شده سه سال متوالی آن رشد مثبت داشته است اعتبار کم‌تری خواهد داشت. در متون حسابداری اهمیت منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده

آخرین عامل تأثیرگذار بر میزان

اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت

منطقی بودن ذاتی

خود اطلاعاتی است که افشاء می‌شود

و ویژگی‌های افشاء هر کدام به طور جداگانه بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارند. اما این عوامل ممکن است در تعامل با یکدیگر نیز بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر داشته باشند. در تحقیقات متعددی بررسی شده است که چطور انگیزه‌های ناشی از موقعیت در تعامل با سایر عوامل موجب تأثیر بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده می‌گردد. برای مثال ویلیامز (۱۹۹۶) گزارش می‌دهد وقتی اطلاعات افشاء شده با انگیزه‌های مدیریت هماهنگ باشد قابل اعتماد بودن خود مدیریت اثر زیادی بر میزان اعتبار اطلاعات دارد. مخصوصاً او پی برده است که قابل اعتماد بودن مدیریت در مواردی که اخبار خوب هماهنگ با انگیزه‌های مدیریت توسط مدیران افشاء می‌شود یک پیش‌بینی‌کننده قوی واکنش‌های تحلیل‌گران است نسبت به حالتی که اخبار بد ناهماهنگ با انگیزه‌های مدیریت توسط آن‌ها افشاء می‌گردد. این نتایج حاکی از آن است که به دلیل آن که سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات افشاء شده‌ای که با انگیزه‌های موقعیتی مدیریت همسو است، تردید دارند زمانی که می‌خواهند میزان اعتبار این اطلاعات را ارزیابی کنند از راه‌های دیگر مانند تعیین قابلیت اعتماد خود مدیریت استفاده می‌کنند.

هیوتن و همکاران (۲۰۰۳) گزارش می‌کنند که وقتی مدیریت انگیزه بیش‌تری در ارائه اطلاعات گمراه‌کننده دارد به احتمال زیاد سایر اطلاعاتی که مؤید موضوع باشد، میزان اعتبار آن اطلاعات را افزایش خواهد داد. آن‌ها دریافتند که اخبار خوب مربوط به پیش‌بینی‌های سود مدیریت به احتمال زیاد زمانی منجر به تغییر قیمت سهام می‌شود که در کنار اطلاعات دیگری مانند پیش‌بینی فروش، حاشیه فروش و نرخ رشد در بلندمدت ارائه گردد. در مقابل، پیش‌بینی‌های اخبار بد صرف‌نظر از آن که با اطلاعات تأییدکننده دیگری همراه باشد یا خیر موجب تغییر قیمت سهام می‌شود. هیوتن و همکاران (۲۰۰۳) تصریح می‌کنند که یک دلیل احتمالی برای این تعامل این است که پیش‌بینی‌های اخبار بد نسبت به پیش‌بینی‌های اخبار خوب به طور ذاتی برای شرکت‌کنندگان در بازار معتبرتر است. به این ترتیب پیش‌بینی اخبار بد نیاز

مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های تحقیقاتی متعدد نشان می‌دهد که میزان تجدید نظر تحلیل‌گران در مورد پیش‌بینی‌هایی که پس از پیش‌بینی‌های مدیریت صورت می‌دهند به تفاوت بین سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت و انتظاراتی که تحلیل‌گر در تاریخ افشاء دارد مربوط است (جنینگز - ۱۹۸۷ و ویلیامز - ۱۹۹۶). این نتایج حاکی از آن است که هرچه تفاوت بین انتظاراتی که تحلیل‌گران دارند با اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت بیش‌تر باشد، این اطلاعات کم‌تر منطقی به نظر می‌رسد و احتمال آن که تحلیل‌گران آن را باور کنند کم‌تر است.

هانسن و نئو (۱۹۹۸) مستندات بیش‌تری را ارائه می‌دهند که چطور منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده بر میزان اعتبار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آن‌ها گزارش می‌کنند که وقتی پیش‌بینی‌های سود مدیریت با اطلاعات افشاء شده قبلی آنان هماهنگ است تحلیل‌گران تجدیدنظر کم‌تری در پیش‌بینی‌ها اعمال می‌کنند. این نتایج حاکی از آن است که محتوای اطلاعات افشاء شده قبلی بر منطقی به نظر رسیدن ذاتی اطلاعات افشاء شده بعدی تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین کچ (۱۹۹۹) درمی‌یابد که در مورد شرکت‌های با وضعیت مالی مطلوب اخبار خوب منجر به آن می‌شود که تحلیل‌گران تجدید نظر بیش‌تری در پیش‌بینی اعمال کنند، زیرا احتمال روی دادن این اخبار خوب بسیار محتمل است، اما در شرکت‌هایی که وضعیت مالی نابسامانی دارند، اخبار بد است که منجر به تجدید نظر بیش‌تر تحلیل‌گر می‌شود، زیرا احتمال محقق شدن بعدی این‌گونه اخبار زیادتر است. هر چند در تحقیقات دانشگاهی آثار منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده^۲ به روش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است اما صرف‌نظر از نحوه انجام این عملیات به نظر می‌رسد منطقی بودن ذاتی اطلاعات افشاء شده بر میزان اعتبار آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

اثرات تعاملی

در بخش‌های قبلی توضیح داده شد که چطور انگیزه‌های ناشی از موقعیت، قابل اعتماد بودن مدیریت، اطمینان بخشی

شده را تلفیق و به صورت یک چارچوب ساده ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تحقیقات مربوط به چگونگی تفکر سرمایه‌گذاران و نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها درباره اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت، مفید واقع گردد. در این چارچوب چهار عامل مؤثر بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده به شرح زیر مطرح می‌گردند:

◀ انگیزه های ناشی از موقعیت:

چنانچه مدیریت انگیزه قوی در ارائه اطلاعات گمراه کننده داشته باشد اطلاعات افشاء شده توسط وی اعتبار کم تری خواهد داشت.

◀ قابل اعتماد بودن مدیریت:

سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد به اطلاعاتی که توسط مدیران با حسن شهرت ارائه می‌گردد اتکاء بیش تری خواهند کرد.

◀ عوامل مؤثر بر محیط گزارشگری اعم از بیرونی و درونی:

کسب اطمینان از طریق منابع بیرونی مانند حسابرسان یا تحلیل گران و یا از طریق منابع درونی مانند هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی می‌تواند میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش دهد.

◀ ویژگی های ذاتی نحوه افشاء اطلاعات:

ویژگی های مختلف خود اطلاعات افشاء شده- شامل دقت، محمل افشاء، افق زمانی، منطقی بودن ذاتی آن و سایر اطلاعاتی که مؤید موضوع است- بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارد.

بعضی از این عوامل اثر تعاملی نیز بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده دارند اما این تعامل ها هنوز به خوبی درک نشده است.

با وجود آن که تحقیقات در مورد میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده در مراحل اولیه است اما مواردی که در این مقاله

به اطلاعات تأییدکننده برای افزایش میزان اعتبار ندارد. به طور کلی تحقیقات موجود حاکی از آن است که وقتی مدیریت برای ارائه اطلاعات گمراه کننده انگیزه داشته باشد قابل اعتماد بودن خود مدیریت و وجود سایر اطلاعات تأییدکننده مهم ترین مواردی هستند که موجب افزایش میزان اعتبار اطلاعات می‌گردند.

اما در صورتی که انگیزه مدیریت برای ارائه اطلاعات گمراه کننده کم باشد اطلاعات افشاء شده به طور ذاتی قابل پذیرش هستند و میزان اعتبار آن‌ها به قدری زیاد است که قابل اعتماد بودن مدیریت و سایر ساز و کارهایی که میزان اعتبار را افزایش می‌دهد، نمی‌تواند بر افزایش میزان اعتبار آن‌ها تأثیری بگذارد.

در تحقیقات اخیر اثرات تعاملی قابل اعتماد بودن مدیریت و دقت افشاء نیز مورد بررسی قرار گرفته است. هوست و همکاران (۱۹۹۹) با مشاهده تفاوت بین میزان اعتبار پیش‌بینی‌های دقیق سود و پیش‌بینی‌هایی که کم دقت تر است در زمانی که مدیریت سابقه خوبی در گزارشگری دقیق دارد، گزارش می‌دهند که وقتی قابلیت اعتبار مدیریت افزایش می‌یابد تأثیر دقت در پیش‌بینی بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده نیز بیشتر می‌شود. اما تعامل بین قابل اعتماد بودن مدیریت و سایر ویژگی‌های افشاء و هم‌چنین تعامل بین میزان اطمینان بخشی اطلاعات از طریق رسیدگی‌های مستقل و سایر عوامل تأثیرگذار بر میزان اعتبار هنوز مشخص نگردیده است.

خلاصه و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی

محققان و مدیران هر دو نسبت به این موضوع که چگونه اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت برای سرمایه‌گذاران قابل افزایش می‌باشد، علاقمند هستند. این مقاله مطالب موجود درباره میزان اعتبار اطلاعات افشاء

حسابرسان داخلی - بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارند.

شاید مهم‌ترین تحقیق آتی، تعاملات بین ویژگی‌های مختلف افشاء را مد نظر قرار دهد و همچنین تعاملات بین این ویژگی‌ها و سه عامل دیگری که بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده تأثیر می‌گذارد. درک این تعامل‌ها مخصوصاً از این نظر مهم است که شرکت‌ها می‌توانند ویژگی‌های افشاء را بسیار آسان‌تر از سایر عوامل کنترل یا تعدیل نمایند. برای مثال شرکت‌ها ممکن است قادر باشند از طریق تغییر در نحوه افشاء، اثرات منفی را که در میزان اعتبار اطلاعات به دلیل انگیزه‌های ارائه اطلاعات گمراه‌کننده به وجود آمده از بین ببرند. محققان تاکنون یکی از ویژگی‌های افشاء را - وجود اطلاعات تأیید کننده - به عنوان یک پیش‌بینی کننده مهم در میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده در زمانی که انگیزه‌های مدیریت برای ارائه اطلاعات گمراه‌کننده زیاد است شناسایی کرده‌اند. اما در این مورد که آیا ویژگی‌های دیگر افشاء مانند دقت، محمل افشاء، در تعامل با انگیزه‌های ناشی از موقعیت بر میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده مؤثر هستند یا خیر، هنوز بررسی صورت نگرفته است. هر چند اجرای تحقیقی که به دنبال شناسایی روابط تعاملی بین متغیرها باشد آسان نیست اما، اطلاعاتی که از این تحقیقات حاصل شود برای شناخت بهتر ما از عواملی که موجب اعتبار اطلاعات می‌شود ضرورت دارد.

پی نوشت

۱- سوابق موجود در بایگانی‌ها به اطلاعات تاریخی اطلاق می‌شود. مانند گزارش‌های تجزیه و تحلیل‌کنندگان، اطلاعات افشاء شده شرکت یا قیمت‌های سهام. در صورتی که اطلاعات تجربی به اطلاعاتی گفته می‌شود که به وسیله یک آزمون‌کننده ایجاد شده و وی یک یا چند متغیر را تغییر می‌دهد.

۲- کینی (Kinney-2000) معتقد است که گروه‌های مستقل واجد صلاحیت و حسن شهرت می‌توانند از طریق رسیدگی به گزاره‌ها و صحت گذاشتن بر فقدان جهت‌گیری در اطلاعات ارائه شده، بر برداشت اشخاص خارج از سازمان از کیفیت اطلاعات تأثیر مثبت داشته باشند. این اثر مثبت از طریق تقویت تأثیر مثبتی که بر نحوه برداشت اشخاص در مورد قابلیت اتکاء گزاره‌ها و ادعاهای مدیریت به وجود می‌آورد، شکل

بررسی شد از دو نظر مهم هستند. یکی این که عوامل مؤثر بر میزان اعتبار را به ما نشان می‌دهد و دیگر این که مواردی را که می‌بایست بررسی و تحقیق شود مشخص می‌نماید. برخی تحقیقات اثرات انگیزه‌های ناشی از موقعیت را بر میزان قابلیت اعتبار اطلاعات از طریق مقایسه واکنش‌های سرمایه‌گذاران به افشای اخبار خوب و بد بررسی کرده‌اند. این تحقیقات گزارش می‌دهند که افشای اخبار خوب از افشای اخبار بد معتبرتر است که دلیل احتمالی آن همسو نبودن گزارشگری اخبار بد با انگیزه‌های شخصی مدیران است. اما در بعضی موارد مدیران انگیزه‌های قوی در گزارش اخبار منفی دارند. یک مثال آن تلاش‌های مدیریت در پائین آوردن قیمت سهام حق اختیار سهام کارکنان است که از طریق ارائه اخبار منفی و یا تأخیر در ارائه اخبار مثبت در زمان نزدیک به تاریخ اعطاء حق اختیار سهام این کار انجام می‌گیرد (آبودی و کازنیک-۲۰۰۰). تحقیقاتی که قابلیت اعتبار اخبار مثبت افشاء شده را در مقایسه با اخبار منفی بررسی می‌کنند تصویر کاملی از اثر انگیزه‌های ناشی از موقعیت در میزان اعتبار اطلاعات ارائه می‌نمایند.

در زمینه نقش گروه‌های بیرونی و درونی شرکت در میزان اعتبار اطلاعات نیز تحقیقات بیش‌تری لازم است. تحقیقات قبلی نشان داده که حسابرسان می‌توانند میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش یا کاهش دهند. اما اطلاع کمی در مورد تأثیر مشابه تحلیل‌گران و روزنامه‌نگاران در میزان اعتبار اطلاعات وجود دارد. مسائل مهم برای تحقیقات آتی عبارتند از:

- ۱) تا چه میزان باورهای تحلیل‌گران و روزنامه‌نگاران در مورد قابل اعتبار بودن اطلاعات بر استنباط‌های جامعه سرمایه‌گذار تأثیر می‌گذارد،
- ۲) آیا گروه‌های مذکور می‌توانند موجب افزایش یا کاهش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده گردند،
- ۳) آیا تأثیر نقطه نظرات این گروه‌ها پس از رسوایی‌های اخیر حسابداری کاهش یافته است،
- ۴) چطور و چه موقع منابع داخلی اطمینان‌بخشی صحت اطلاعات - مانند هیات مدیره، کمیته حسابرسی و

جدید تأثیر نگذارد زیرا این گونه تأثیرات نقض کننده فرض معمول Bayesian است که گمان‌های قبل و احتمالات به طور مستقل بررسی می‌شوند. اما **کوهرلر (Koehler-1993)** نشان می‌دهد که وقتی در مورد ارزیابی اطلاعات احتمالی عدم اطمینان وجود دارد گمان‌های قبلی می‌تواند بر احتمالات تأثیر بگذارد.

منابع

Accounting Horizons

جلد هجدهم شماره ۳، سپتامبر ۲۰۰۴

- 1- A boody, D., and R. Kasznik. 2000. *CEO stock option awards and the timing of corporate voluntary disclosures*. *Journal of Accounting and Economics* 29 (1): 73-100
- 2- Andreoli, V., and S. Worchel. 1978. *Effects of media, communication and message position on attitude change*. *Public opinion Quarterly* 42 (1): 59-70.
- 3- Baginski, S., E. Conrad, and j. Hassell. 1993. *The effects of management forecast precision on equity pricing and on the assessment of earnings uncertainty*. *The Accounting Review* 68 (4): 913-927
- 4- -----, j. Hassell, and M. Kimbrough. 2004. *Why do managers explain their earnings forecasts?* *Journal of Accounting Research* 42 (1): 1-29
- 5- Bamber, L., and Y. cheon. 1998. *Discretionary management earnings forecast disclosure: Antecedents and outcomes associated with forecast venue and forecast specificity choices*. *Journal of Accounting Research* 36 (2): 167-190
- 6- Barrett, A. 2002. *Slammed! Investors are telling companies that creative accounting will no longer fly*. *Business week* (march 4): 34
- 7- Beasley, M. 1996. *An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud*. *The Accounting Review* 71 (4): 443-465
- 8- Birnbaum, M., and S. Stegner. 1979. *Source credibility in social judgment: Bias, expertise and the judges' point of view*. *Journal of personality and social psychology* 37:48-74
- 9- Black, B., H. Jung, and W. Kim. 2003. *Does corporate governance affect firms' market values? Evidence from Korea*. *Working paper, Stanford law school*.
- 10- Black well, D., T. Noland, and D. Winters. 1998. *The value of auditor assurance: Evidence from loan pricing*. *Journal of Accounting Research* 36 (1): 57-70
- 11- Cairney, T., and F. Richardson. 1999. *The credibility of management forecasts of annual earnings*. *Working paper, Florida Atlantic University*.

می‌گیرد.

۳- بیشتر مطالب موجود حاکی از آن است که رسانه‌های اطلاعاتی در کاهش میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده توسط مدیریت نقش دارند. ولیکن هنوز مشخص نیست که حمایت‌های رسانه‌های اطلاعاتی می‌تواند میزان اعتبار اطلاعات افشاء شده را افزایش دهد یا خیر.

۴- مدیران شرکت‌هایی که در محیط‌هایی کار می‌کنند که از قابلیت اطمینان کم تری برخوردار است ممکن است قادر باشند قابلیت اعتبار را تنها از طریق پذیرفتن این عدم قطعیت و ارائه پیش بینی‌هایی با دقت کم تر به دست آورند.

۵- اگر چه قوانین افشاء منصفانه انتخاب‌های محمل افشاء را محدود کرده است، اما مدیران هنوز راه‌های مختلفی برای این کار در اختیار دارند مانند اعلامیه‌های مطبوعاتی، اظهارنامه‌های SEC و صورت‌های مالی سالانه. هم‌چنین شرکت‌ها ممکن است همان‌طور که اطلاعات را در رسانه‌های عمومی تر افشاء می‌کنند در ملاقات‌های خصوصی نیز افشاء نمایند.

۶- **بامبر و کوئون (Bamber and Cheon - 1998)** گزارش می‌دهند که وقتی شرکت پیش‌بینی‌های سود را به جای روش‌هایی مانند اعلامیه‌های مطبوعاتی در محل‌هایی مانند جلسات با گزارشگران و تحلیل‌گران ارائه می‌کند، تحلیل‌گران مالی روابط با سرمایه‌گذار شرکت را در رتبه بالاتری درجه‌بندی می‌کنند. اما این دو محقق اعتبار افشاءها را برحسب نوع و محمل اطلاعاتی که افشاء در آن‌ها صورت می‌گیرد، بررسی نکردند.

۷- **کرنی و ریچاردسون (Cairney and Richardson-1999)** بهای تمام شده اطلاعات داخلی (اطلاعات خاص بنگاه) را بر پایه تمرکز صنعت می‌سنجند با این فرضیه بهای تمام شده اطلاعات درونی شرکت‌هایی که در صنعت‌های بسیار متمرکز هستند بیش تر است. آن‌ها متوجه شده‌اند که وقتی بهای تمام شده اطلاعات درونی افزایش می‌یابد واکنش‌های بازار سهام نسبت به پیش‌بینی سود مدیریت نیز افزایش می‌یابد.

۸- **هیوتن و همکاران (Hutton et al. - 2003)** هم‌چنین بررسی کرده‌اند کدام نوع از توضیحاتی که توسط مدیریت ارائه می‌شود بیش ترین تأثیر را بر افزایش میزان اعتبار دارد. آن‌ها گزارش می‌کنند توضیحاتی از نوع آن‌هایی که مدیران در مورد دلایل یک پیش‌بینی می‌دهند، میزان اعتبار اطلاعات را افزایش نمی‌دهد، در حالی که توضیحاتی که به شکل اعداد و ارقام و قابل رسیدگی باشد مانند پیش‌بینی‌های فروش، حاشیه فروش یا جریان نقدی میزان اعتبار اطلاعات را افزایش می‌دهند. در مقابل **باگینسکی و همکاران (Baginski et al.- 2004)** متوجه شده‌اند که اگر توضیحات در مواردی مانند دلایل یک پیش‌بینی باشد بر واکنش بازار در مورد پیش‌بینی‌های سود مدیریت تأثیر می‌گذارد، اما به شرط آن که به عوامل قابل رسیدگی خارج از سازمان اشاره کند.

۹- این نتیجه با گزارش Bayes مطابقت دارد. دیدگاه Bayes مستلزم این است که اعتقادات قبلی بر بررسی دانشمند در ارزیابی اطلاعات

- 12- Carrns, A. 2002. Healthsouth strives to recover investors, executive credibility. *Wall street journal* (October 14) : C1.
- 13- Chaiken, S., And A. Eagly. 1976. *Communication modality as a determinant of message Persuasiveness and message comprehensibility. Journal of Personality and Social Psychology* 34(4):605-914
- 14- -----, and -----, 1983 . *Communication modality as a determinant of persuasion: The role of communication salience. Journal of personality and social psychology* 45(2):241-256.
- 15- Eagly, A., W. Wood , and S. Chaiken. 1978. *Causal inferences about communicators and their effect on opinion change. Journal of personality and social psychology* 36:424-435
- 16- Foster, G. 1979, *Briloff and the capital market. Journal of Accounting Research* 17(1): 262-274.
- 17- -----, 1987. Rambo IX: *Briloff and the capital market. Journal of Accounting, Auditing, and Finance* 2:409-431.
- 18- Frost, C.1997 . *Disclosure policy choices of UK firms receiving modified audit reports. Journal of Accounting and Economics* 23 (2): 163-187
- 19- Gigler, F. 1994. *Self - Enforcing voluntary disclosures. Journal of Accounting Research* 32 (2): 224-240.
- 20- Gogoi, p. 2001 . *Making bad news pay. Business week* (september 3): Eb24.
- 21- Hansen, G, and C. Noe. 1998. *Do managers' accrual decisions speak louder than words? Working paper, Pennsylvania State University.*
- 22- Hassell, J., R. Jennings, and D. Lasser. 1988. *Management earnings forecasts: Their usefulness as a source of firm-specific information to security analysts. Journal of Financial Research* 11 (4): 303-319.
- 23- Hirst, D. E., L. Koonce , and j. Miller. 1999. *The joint effect of management's prior forecast accuracy and the form of its financial forecasts on investor judgments. Journal of Accounting Research* 37 (supplement): 1-24.
- 24- Hodge, F., P. Hopkins, and j. Pratt. 2000. *Classification discretion, reporting reputation, and disclosure credibility: The case of hybrid securities. Working paper, Indiana University.*
- 25- -----, 2001 . *Hyperlinking unaudited information to audited financial statements: Effects on investor judgments. The Accounting Review* 76 (4):675-691
- 26- Hovland, C., I. Janis, and H. Kelley. 1953. *Communication and persuasion. New Haven, CT: Yale University Press.*
- 27- Hutton, A., G. Miller, and D. Skinner. 2003 . *The role of supplementary statements with management earnings forecasts. Journal of Accounting Research* 41:867-890
- 28- Jennings, R. 1987. *Unsystematic security price movements, management earnings forecasts, and revisions in consensus analyst earnings forecasts. Journal of Accounting Research* 25(1):90-110
- 29- Kelley, H. 1972 . *Attribution in social interaction. In Attributions: perceiving the causes of Behavior, edited by E. Jones, D. Kanouse, H. Kelley, R. Nisbett. S. Valins, and B. Weiner, 151-174. Morristown, NJ: General Learning Press.*
- 30- King, R., G. Pownall, and G. Waymire. 1990. *Expectations adjustment via timely management forecasts: Review synthesis, and suggestions for future research. Journal of Accounting literature* 9: 113-144.
- 31- Kinney, W.2000 . *Information Quality Assurance and Internal Control. Burr Ridge, IL: Irwin/McGraw-Hill.*
- 32- Klein, A. 1999. *Audit Committee, board of Director Characteristics, and Earnings Management. Journal of Accounting and Economics* 33:375-400
- 33- Koch, A. 1999. *Financial Distress and the Credibility of Management Earnings Forecasts. Working paper, Carnegie Mellon University.*
- 34- Kochler, j. 1993. *The Influence of Prior Beliefs on Scientific Judgments of Evidence Quality. Organizational Behavior and Human Decision Processes* 59: 28-55.
- 35- Leftwich, R. 1983. *Accounting information in private markets: Evidence from private lending agreements. The Accounting Review* 58 (1): 23-42.
- 36- Li, K. 2002. *Nextel defends its accounting. The Street. com* (October 8).
- 37- Libby, R. 1979 . *Bankers' and auditors' perceptions of the message communicated by the audit report. Journal of Accounting Research* 17 (1):99-122
- 38- Mc Nichols, M.1989. *Evidence of informational asymmetries from management earnings forecasts and stock returns . The Accounting Review* 64 (1):1-27
- 39- Peers, M. 2002. *AOL's great expectations bruise credibility. Wall Street Journal* (September 13): B2.
- 40- Petty, R., And D. Wegener. 1998. *Attitude change: Multiple roles for Persuasion variables. In The Handbook of Social psychology, vol. I, edited by D. Gilbert, S. Fiske, and g. Lindzey, 323-390 . Boston, MA: Mc Graw-Hill .*
- 41- Pownall, G., C. Wasley, and G. Waymire. 1993. *The stock price effects of alternative types of management earnings forecasts. The Accounting Review* 68 (4): 896-912.
- 42- Wild, J.1996. *The audit committee and earnings quality. Journal of Accounting Auditing and Finance* 11 (2): 247-276.
- 43- Williams , P.1996. *The relation between a prior earnings forecast by management and analyst response to a current management forecast . The Accounting Review* 71(1):103-113
- 44- Xie, B., W. Davidson, and P. Da Dalt. 2003 . *Earnings management and corporate governance :The role of the board and audit committee. Journal of Corporate Finance* 9:295-316.